

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب جامع حقوق بین الملل عمومی (دوره پیشرفته)

(مخصوص آزمون دکتری حقوق بین الملل)

شامل:

- درسنامه تخصصی و کاربردی (پیشرفته و در سطح دکتری حقوق بین الملل)
- خلاصه کتب اساتید رفرنس (مرتبط با آزمون دکتری حقوق بین الملل)
- نکات مهم برگرفته از کتب و جزوات اساتید رفرنس
- آرای دیوان بین المللی دادگستری و قضایای بین المللی
- مسائل روز حقوق بین الملل (تحلیل مسائل روز)
- مقالات کاربردی (خلاصه کاربردی مقالات اساتید رفرنس)
- تست های شبیه سازی شده (در سطح دکتری)
- آزمونهای دکتری (و کارشناسی ارشد) حقوق بین الملل

به کوشش:

دپارتمان تخصصی دکتری حقوق بین الملل

زیر نظر:

دکتر ابوالقاسم شم آبادی

فیروزه امینیان



سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق بین‌الملل

عنوان: حقوق بین‌الملل عمومی (دوره پیشرفته)

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، سال

نوبت چاپ: ششم / سال چاپ اول: ۱۳۹۵

نوبت ویرایش: هشتم /

مشخصات ظاهری: جدول / تصویر

موضوع: حقوق بین‌الملل عمومی - آزمون دکتری حقوق بین‌الملل - دکتری نیمه متمرکز

موضوع: اعضای جامعه بین‌المللی - دولت - سازمان‌های بین‌المللی - افراد - سازمان‌های غیردولتی

شناسه افزوده: شورای امنیت - مجمع عمومی - شورای اقتصادی و اجتماعی - دیوان بین‌المللی دادگستری - شورای قیمومت

شناسه افزوده: معاهده - کنوانسیون - منشور - پیش نویس - عهدنامه

شناسه افزوده: قانون اساسی - منشور سازمان ملل - اساسنامه دیوان - کنوانسیون حقوق معاهدات - کنوانسیون حقوق دریاها

شناسه افزوده: سازمان تجارت جهانی - اتحادیه اروپا - شورای اروپا - شورای حقوق بشر - پارلمان اروپا

شناسه افزوده: دکتر میرعباسی - دکتر بیگدلی - دکتر بیگ زاده - دکتر نیاورانی - دکتر فلسفی - دکتر زمانی - دکتر مقتدر

شناسه افزوده: آزمون دکتری حقوق بین‌الملل / آزمون دکتری

قیمت: هزار تومان

عنوان: حقوق بین‌الملل عمومی (دوره پیشرفته)

به کوشش: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق بین‌الملل

ناظر: ابوالقاسم شم آبادی / فیروزه امینیان

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه،

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: هزار تومان

تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

Email: nashreadliye@gmail.com

http://www.adlpub.com

آدرس:

تهران - میدان انقلاب - جمالزاده جنوبی - ساختمان ۱۴۰ - پلاک ۹۴ - واحد ۱۷

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

@entesharateadliye

کانال دکتری حقوق

https://t.me/PHDdoktori

فقط اخلاق است که باعث احترام به حقوق معنوی می‌شود.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان کتاب

۹	بخش اول: در سنامه کاربردی.....
۱۰	کلیات و مبانی حقوق بین الملل عمومی
۱۰	تعریف حقوق بین الملل
۱۷	تمایز حقوق بین الملل از حقوق داخلی.....
۲۳	تابعان حقوق بین الملل چه کسانی هستند؟
۲۳	طبقه بندی قواعد حقوق بین الملل
۳۱	خودسنجی
۳۲	منابع حقوق بین الملل
۳۶	نکاتی در مورد عرف (مطلب تکمیلی).....
۳۹	نکاتی در مورد اصول کلی حقوقی (مطلب تکمیلی)
۳۹	نکاتی در مورد انصاف (مطلب تکمیلی)
۴۱	ارزش حقوق بین الملل عمومی در حقوق داخلی ایران
۴۴	اصول مبنایی در حقوق بین الملل
۴۸	خودسنجی
۶۴	شناسایی و جانشینی کشور
۶۸	مسئولیت بین المللی
۷۳	نکات متن پیش نویس معاهده مسئولیت کشورها در اعمال متخلفانه بین المللی (۲۰۰۱)
۷۶	بررسی رای دیوان در دو قضیه نیکاراگوئه و تادیج
۷۸	معیار کنترل در طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت ها
۷۸	معیار کنترل مؤثر در رأی بوسنی
۷۸	مسئولیت جدائی طلبان (شورشی ها)
۷۹	قضیه جنگ کمپانی DREDGING. CO - مکزیک امریکا.....
۷۹	قضیه خسارات وارد شده به اتباع انگلیس در توسکان - اختلاف انگلیس - اتریش سال ۱۸۵۰
۷۹	دکترین مسئولیت حمایت
۸۲	موارد استثناء از مسئولیت
۹۱	استاندارد رفتار بیگانه
۹۲	شرایط اجرای حمایت دیپلماتیک
۹۲	استثنای وارد بر قاعده توسل به مراجع داخلی
۹۶	خودسنجی
۱۰۰	مسئولیت سازمان های بین المللی
۱۰۳	وجه افتراق سازمان های غیر دولتی با سازمان های بین المللی بین الدولی
۱۰۴	خودسنجی
۱۰۵	حقوق معاهدات
۱۰۶	طبقه بندی معاهدات
۱۰۶	آیین انعقاد معاهدات
۱۰۷	بافت معاهده
۱۰۷	پذیرش و امضای معاهده
۱۰۸	تصویب معاهده

۱۱۱	ثبت و انتشار معاهدات
۱۱۱	حق شرط در معاهدات
۱۱۲	وضعیت حق شرط بر اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی (زیر بخش)
۱۱۳	آثار معاهده
۱۲۹	متن کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)
۱۴۵	خودسنجی اول
۱۵۴	خودسنجی دوم
۱۵۸	ساختار سازمان ملل متحد
۱۶۰	ارکان اصلی
۲۰۱	ارکان فرعی
۲۰۷	مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد
۲۲۷	نکات متن منشور سازمان ملل
۲۴۴	صلاحیت در حقوق بین‌الملل
۲۵۲	حقوق بین‌الملل اقتصادی
۲۵۴	حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی
۲۶۲	داوری بین‌المللی
۲۶۷	نکات بیانیه الجزایر (دیوان داوری ایران و آمریکا)
۲۶۸	خودسنجی
۲۶۹	حقوق دریاهای
۲۸۴	حقوق بشر
۲۹۵	خودسنجی
۲۹۸	حقوق دیپلماتیک
۳۰۳	مصونیت‌های کنسولی
۳۰۴	دکترین عمل دولت
۳۰۵	انواع مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی
۳۲۱	خودسنجی
بخش دوم: نکات و متون ساده سازی شده (خلاصه کتب و جزوات) ۳۲۷	
بخش سوم: نکات طلایی ۳۷۷	
بخش چهارم: تحلیل مسائل روز حقوق بین‌الملل ۳۹۵	
۳۹۶	نرم‌های جهانی در حقوق بین‌الملل
۳۹۶	تأثیر جنگ بر معاهدات بین‌المللی
۳۹۷	نقش عرف در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه
۳۹۷	نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل
۳۹۸	در چه سازمان‌هایی ایران به عنوان عضو ناظر حضور دارد؟
۳۹۹	فرآیند الحاق به WTO
۳۹۹	جدیدترین اصلاحاتی که در سازمان ملل متحد به عمل آمده است
۴۰۰	جمهوری اسلامی ایران و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد
۴۰۰	دادگاه اداری سازمان ملل متحد
۴۰۱	جایگاه پهپادها در حقوق بین‌الملل
۴۰۴	اقدام تروریستی آمریکا در شهادت قاسم سلیمانی از دیدگاه قواعد حقوق بین‌الملل

- ۴۰۷..... وضعیت کنونی عهدنامه مودت ایران و آمریکا
- ۴۰۸..... اقدام متقابل از دیدگاه حقوق بین الملل
- ۴۰۹..... تغییر پایتخت رژیم صهیونیستی از تلویو به بیت المقدس از دیدگاه حقوق بین الملل
- ۴۱۱..... پیامدهای توافق صلح امارات و رژیم صهیونیستی
- ۴۱۲..... آیا قواعد حقوق بشری، قواعد آمره هستند یا خیر؟
- ۴۱۳..... دولت های ناتوان در حقوق بین الملل
- ۴۱۴..... شرایط مداخله بشر دوستانه در امور دیگر کشورها
- ۴۱۴..... دفاع مشروع و شرایط آن در حقوق بین الملل
- ۴۱۶..... مفهوم تدوین و توسعه‌ی حقوق بین الملل
- ۴۱۷..... مفهوم نزاکت بین المللی
- ۴۱۸..... رژیم های خودبسنده در حقوق بین الملل
- ۴۱۸..... مسئولیت جدائی طلبان (شورش‌ها) در روابط میان دولت‌ها
- ۴۱۹..... دکترین مسئولیت حمایت
- ۴۲۰..... قاعده استاپل
- ۴۲۰..... صلاحیت معوق
- ۴۲۱..... روش های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در نظام حقوقی دریاهای
- ۴۲۵..... تئوری جدایی چاره ساز از دیدگاه حقوق بین الملل
- ۴۲۵..... امضای معوق، امضای مشروط و پاراف در حقوق بین الملل
- ۴۲۵..... تصویب بی قاعده معاهدات
- ۴۲۶..... رزرو یا حق شرط در معاهدات
- ۴۲۷..... معاهدات کامله الوداد
- ۴۲۷..... جانشینی کشورها در معاهدات
- ۴۲۹..... اثرات تقدم قاعده بر عمل حقوقی در حوزه معاهدات بین المللی
- ۴۲۹..... صلاحیت عام یا جهانی در حقوق بین الملل
- ۴۳۰..... مصونیت دولت در حقوق بین الملل
- ۴۳۰..... وضعیت کیسه های سیاسی در حقوق دیپلماتیک
- ۴۳۱..... در مورد پرونده اکال
- ۴۳۱..... قواعد حاکم بر دریای سرزمینی
- ۴۳۲..... قواعد حاکم بر خلیج های داخلی و خلیج های تاریخی
- ۴۳۲..... قواعد حاکم بر منطقه مجاور یا نظارت
- ۴۳۳..... استثنائات صلاحیت دولت صاحب پرچم در دریای آزاد
- ۴۳۵..... رژیم حقوقی حاکم بر تنگه های بین المللی
- ۴۳۶..... نظام حقوقی حاکم بر آبهای مجمع الجزایری
- ۴۳۷..... مفهوم پروپاگاندا در حقوق بین الملل
- ۴۳۷..... مفهوم اقدامات قهری کمتر از جنگ
- ۴۴۰..... بررسی ترور شهید فخری زاده از دیدگاه حقوق بین الملل
- ۴۴۱..... بخش پنجم: تحلیل قضایای بین المللی**
- ۴۴۲..... قضیه صید نهنگان در قطب جنوب
- ۴۴۲..... قضیه تنگه کورفو
- ۴۴۲..... قضیه کوزوو (حق تعیین سرنوشت)
- ۴۴۳..... قضیه لوتوس

- ۴۴۳ قضیه البركات
- ۴۴۴ قضیه اختلاف مرزی نیجر و بوركینافاسو
- ۴۴۴ قضیه پرونده‌های اتمی
- ۴۴۴ قضیه شکایت کرواسی علیه صربستان
- ۴۴۵ قضیه دعوای آرژانتین علیه اروگوئه
- ۴۴۵ قضیه معبد پره آویهار (کامبوج علیه تایلند)
- ۴۴۵ قضیه سکوهاي نفتی ایران
- ۴۴۵ قضیه لاکربی
- ۴۴۶ قضیه دولت کنگو
- ۴۴۶ قضیه دعوای کنگو علیه اوگاندا ل
- ۴۴۶ قضیه دیوار حائل
- ۴۴۶ قضیه کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران
- ۴۴۷ قضیه دعوای مطروحه علیه لیبی
- ۴۴۸ قضیه امین اوپل و کویت
- ۴۴۹ قضیه فرینی (رای دیوان در مورد طرح دعوای آلمان علیه ایتالیا)
- ۴۴۹ قضیه دیالو
- ۴۴۹ قضیه بارسلونا تراکشن
- ۴۵۰ قضیه "امتیازات ماوروماتیسی" درباره دعوی یونان علیه انگلستان
- ۴۵۰ قضیه Effect of Awards
- ۴۵۰ قضیه رسیدگی‌های کیفری خاص در فرانسه
- ۴۵۰ قضیه برخی مسائل خاص همکاری دوجانبه در امور کیفری
- ۴۵۰ قضیه سالیزبای علیا (مدارس اقلیت / در مورد صلاحیت معوق)
- ۴۵۱ قضیه کورزوف (آلمان علیه لهستان: درباره سلب مالکیت)
- ۴۵۲ قضیه کابچیکوو - ناکیماروس
- ۴۵۳ بخش ششم: سوالات شبیه سازی شده (تالیفی) و آزمونی**
- ۵۱۳ ضمایم (مباحث فرعی اما مرتبط)**

سخنی با خوانندگان کتاب

همانطور که می‌دانید بر اساس تغییرات صورت گرفته در منابع آزمونهای دکتری که در دفترچه سازمان سنجش در تابستان ۱۳۹۸ منتشر شده؛ سرفصل‌های دروس تخصصی شاخه دکتری حقوق بین‌الملل منحصر به دو سرفصل حقوق بین‌الملل عمومی و سازمان‌های بین‌المللی شده است و سرفصل متون فقه (بخش جهاد) از لیست منابع آزمون دکتری این شاخه حذف شده است. برای آزمون دکتری ۱۴۰۰ نیز دفترچه منتشر شده توسط سازمان سنجش همین دو سرفصل را به عنوان دروس تخصصی مدنظر قرار داده است. در آزمون دکتری ۱۴۰۱ نیز، پیش بینی می‌شود این موضوع تغییری نداشته باشد. ضمناً دلیل حذف مبحث جهاد از سرفصل‌های آزمون دکتری حقوق بین‌الملل این بوده که ظاهراً بخش جهاد ارتباط زیادی با مباحث حقوق بین‌الملل نداشته و بیشتر با مباحث حقوق عمومی مرتبط است. پس بر اساس جدیدترین تغییرات لیست سرفصل‌های دکتری حقوق بین‌الملل عبارت است از:

دروس عمومی: زبان عمومی – استعداد تحصیلی با ضریب ۱

دروس تخصصی: حقوق بین‌الملل عمومی – سازمان‌های بین‌المللی با ضریب ۴

بنابراین سرفصل‌های تخصصی این شاخه محدود به حقوق بین‌الملل عمومی و سازمان‌های بین‌المللی شده است و کتابی که برای داوطلبان این شاخه در نظر گرفته شده است؛ عبارت است از **کتاب پیشرفته حقوق بین‌الملل عمومی**

حال این نکته را نباید از نظر دور داشت که سرفصل سازمان‌ها و حقوق بین‌الملل عمومی، به دلیل تخصصی و اصلی بودن تاثیر بسیار مهمی در قبولی و دعوت شدن به مصاحبه داوطلبان دکتری و دارد. طبق نتایج آماری به دست آمده در آزمون دکتری سال ۹۹ و ۹۸ تعداد شرکت کنندگان در دکتری حقوق حدوداً ۱۲۰۰ نفر بوده‌اند که در نهایت تا رتبه‌های نزدیک به ۵۰۰، پذیرش شده‌اند. تعداد داوطلبان دکتری این شاخه در سال ۹۷ نزدیک به ۱۶۰۰ نفر و در سال ۹۶ نزدیک به ۱۹۰۰ نفر بوده است. بنابراین ما هر ساله شاهد کاهش تعداد داوطلبان این شاخه هستیم و این موضوع به این معنا است که با یک تلاش نسبتاً متوسط داوطلبان این شاخه می‌توانند؛ راحت‌تر از سد آزمون دکتری عبور نمایند و به مرحله مصاحبه وارد شوند. (البته این امر در حقوق بین‌الملل بیشتر تاثیرگذار است).
باتوجه به تغییرات و چرخش طراحان سؤالات دکتری حقوق بین‌الملل، کتابی که برای داوطلبان محترم در نظر گرفته شده عبارت است از کتاب جامع، کاربردی و همچنین تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی برای داوطلبان آزمون دکتری حقوق بین‌الملل که شامل قسمت‌های مختلفی است. به بیان دیگر برای اینکه بتوان درصد مناسبی از حقوق بین‌الملل در آزمون کسب کرد؛ لازم است منابع مفصل‌تری مطالعه شود؛ که این کتاب نیازهای شما را برآورده خواهد کرد؛ چرا که هم شامل درسنامه فوق‌العاده کاربردی با طرح مطالب و نکات مهم همراه با ذکر تست‌های دکتری سنوات گذشته است؛ هم خلاصه کتب اساتید طراح و نکات مهم کتب حقوق بین‌الملل را دارد، هم نکات مهم مستخرج از سؤالات دکتری حقوق بین‌الملل. یکی از اضافاتی که جدیداً به این کتاب در سال ۹۹ به این کتاب داشته‌ایم، تحلیل مسائل روز مرتبط با حقوق بین‌الملل بوده است. ضمناً به دلیل اهمیت قضایای بین‌المللی و آرا و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، این موضوع را نیز در آخر کتاب آورده‌ایم. برای تسلط به مباحث حقوق بین‌الملل تاکید می‌شود سؤالات آزمون‌های دکتری به صورت مستقل مورد مطالعه قرار گیرد.

در نهایت اینکه داوطلبانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند حتماً به یاد داشته باشند که روی دیگر سکه، تسلط بر اسناد بین‌المللی است. بنابراین مطالعه محتوا بدون تسلط بر مواد اسناد بین‌المللی پیمودن نصف راه است. تجربه ثابت کرده داوطلبی که اسناد بین‌المللی را بسیار مسلط بوده و محتوای این کتاب را نیز خوانده است؛ رتبه‌اش زیر ۵۰ بوده است.

بنابراین دقت داشته‌باشید که نیاز است هم به اسناد تسلط داشته باشید و هم محتوا. مسلماً در نظر گرفتن این موضوع به همراه مطالعه مستمر و منظم رمز موفقیت شما است.

در پایان هر چند در تالیف این کتاب عالی‌ترین حد دقت به کار گرفته شده که کتاب به عنوان رفرنس اصلی در مطالعه داوطلبان دکتری حقوق بین‌الملل قرار گیرد یک خواسته هم داریم مبنی بر اینکه اگر احیاناً اشتباهی و یا لغزشی در ارائه صحیح مطالب صورت گرفته (کما اینکه بدون نقص تنها ایزد باری تعالی است) در هنگام مطالعه علامت زده و به اطلاع نویسندگان از طریق آی دی تلگرام و یا ایمیل^۱ برسانید. مسلماً کمک شما است که کتاب را غنی‌تر و پخته‌تر می‌کند.

^۱ - @a_shamabadi-shamabadi.abolghasem@yahoo.com

ضمناً دلیل اصلی این موضوع این است که معمولاً کتابهای دکتری حقوق بین‌الملل باید به روز باشد و به روز آوری مکرر کتاب و طرح مسائل جدید از حقوق بین‌الملل کمک داوطلبان را نیز مرتباً نیاز خواهد داشت. به یاد داشته باشید تجربیات شما، توشه راه داوطلب بعدی خواهد بود.

با آرزوی موفقیت

دپارتمان تخصصی دکتری حقوق بین‌الملل

بخش اول

درسنامه کاربردی

در سنامه پیشرفته برای داوطلبان دکتری حقوق بین‌الملل

(کلیات و مبانی حقوق بین‌الملل)

تعریف حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل زیر شاخه حقوق عمومی محسوب می‌شود و تقسیم به دو زیرشاخه می‌شود:

حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی

اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی نخستین بار توسط **فولیکس** در سال ۱۸۴۳ با نگارش کتابی به نام «شرح حقوق بین‌الملل خصوصی» وارد قلمرو ادبیات حقوقی شد.^۱ در کشورهای انگلیسی‌زبان و پیرو حقوق کامن‌لا معمولاً از اصطلاح **تعارض قوانین** در اشاره به این شاخه از حقوق استفاده می‌شود؛ اما چون محل بحث ما نیست؛ به آن نمی‌پردازیم. **طبق یک تعریف مورد قبول اساتید (در تعریف حقوق بین‌الملل):**

حقوق بین‌الملل مجموعه اصول و قواعدی است که بر اعضای جامعه بین‌المللی حاکم است.

اصطلاح حقوق بین‌الملل عمومی نخستین بار توسط **جرمی بنتام** در کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون» ارائه شد. برخی فکر می‌کنند که اولین بار این اصطلاح توسط هوگو گروسیوس ارائه شد؛ (حداقل از نظر آزمون) این درست نیست؛ بلکه **گروسیوس اولین بار قواعد و تئوری‌های اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل را در کتاب خود ارائه داد** و این قواعد را برای اولین بار در ادبیات حقوق بین‌الملل، طرح کرد؛ نه اینکه اصطلاح حقوق بین‌الملل را اولین بار ذکر کند. (می‌دانیم که گروسیوس به **پدر حقوق بین‌الملل** معروف است و به این دلیل، پدر این شاخه است که تئوری‌های جدیدی مانند نظریه دریای آزاد را برای اولین بار در قالب دکترین ارائه داد و نه اینکه اصطلاح حقوق بین‌الملل را اختراع کند؛ اصطلاحاً در فکر و ذهن تئوری‌های حقوق بین‌المللی موج می‌زد!)^۲ بنابراین:

۱. **هوگو گروسیوس:** به دلیل اینکه اولین بار تئوری‌هایی از حقوق بین‌الملل را ارائه داد به پدر این شاخه معروف است. از نظر تاریخی وی **بنیانگذار حقوق بین‌الملل معاصر** نامیده می‌شود. وی برای اولین بار در کتاب خود به نام حقوق جنگ و صلح قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را بیان داشت. رساله «دریای آزاد» گروسیوس **سر آغاز پیدایش حقوق بین‌الملل نوین** و یا دست کم نقطه عطف **توسعه حقوق بین‌الملل** قلمداد می‌شود. اولین بار این اندیشمند، بحث دریای آزاد را در کتابی با عنوان «دریای آزاد» مطرح ساخت. انعکاس مطالب رساله‌های گروسیوس (کتاب جنگ و صلح و دریای آزاد) **در مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۵۸ ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای با کمی تامل قابل کشف می‌باشد.**

۲. **جرمی بنتام.** برای نخستین بار در سال ۱۷۸۰ اصطلاح حقوق بین‌الملل را به شکل کاربرد امروزی در کتاب «مقدمه‌ای به اصول اخلاق و قانون» ارائه نمود.

اما مشکل بیشتر در ادامه و در ارائه یک تعریف واحد از حقوق بین‌الملل ایجاد شده است؛ دکتر **میرعباسی** در جلد اول کتاب حقوق بین‌الملل خود معتقد است که دلیل این تفاوت دیدگاه‌ها این است که هر محقق و حقوقدانی با تکیه با یک یا چند عنصر کمی و یا کیفی این رشته از حقوق، آن را از همان زوایه و دید تعریف می‌کند. برخی تاکیدشان بر فرد است؛ برخی دولت و برخی تاکیدشان بر قواعد حاکم بر این دو. دکتر ضیایی بیگدلی نیز در کتاب حقوق بین‌الملل خود همین موضوع را تایید کرده است. اما در ادامه، تعاریف و دیدگاه‌هایی که مرتبط با آزمون است (و برای آزمون کارایی دارد) ابتدا ارائه می‌شود و در نهایت یک تعریف کامل و نهایی ارائه می‌شود (فقط دقت داشته باشید که در آزمون ممکن است بر اساس مبانی طرح شده در یک نظریه، سوال مطرح شود؛ لذا هر تعریفی به جای خود مهم است!)

۱ - در برخی از منابع نیز آمده است؛ اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی نخستین بار از سوی **ژوزف استوری** در سال ۱۸۳۴ و سپس توسط دیگر نویسندگان به کار گرفته شد. (برای آزمون چاره‌ای نیست جز حفظ هر دو!)

۲ - اساس نظریه گروسیوس در حقوق بین‌الملل بر **حقوق طبیعی** (حقوقی که در طبیعت وجود دارد و همانطور که هست باید شناخت). گروسیوس دانشمند قرن ۱۷ است.

تعریف اساتید طراح سوال و یا فرنیس از حقوق بین الملل

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی

دکتر بیگدلی در کتاب حقوق بین الملل عمومی، معتقد است که برای شناخت مفهوم حقوق بین الملل ما باید چهار موضوع را بدانیم: **تعریف، وجه تسمیه، ضرورت وجود، عوامل موثر در توسعه و تحول حقوق بین الملل.** این استاد معتقد است که برای ارائه **تعریف جامعی از حقوق بین الملل، ابتدا لازم است درک جامع و صحیحی از مفاهیم پیش رو به عمل آید: جامعه بین المللی و حقوق بین الملل / نهادهای بین المللی و حقوق بین الملل / تابعان یا موضوعات حقوق بین الملل / روابط بین الملل و حقوق بین الملل / سیاست و حقوق بین الملل / حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین المللی عمومی / قلمرو حقوق بین الملل.** از این رو، ابتدا ارتباط مباحث فوق از کتاب حقوق بین الملل عمومی بررسی شده و بعد از آن تعریف نهایی این استاد از حقوق بین الملل (در ادامه) بیان خواهد شد.

۱. **جامعه بین المللی و حقوق بین الملل:** جامعه بین المللی تحت یک سلسله قواعد حقوقی به نام «حقوق بین الملل» بوده و متعهد به رعایت و اجرای کامل آن است؛ به همین دلیل، حقوق بین الملل، حقوق جامعه بین المللی است. (به بیان دیگر مجموعه مقررات حاکم بر جامعه بین المللی است.)

۲. **نهادهای بین المللی و حقوق بین الملل:** نهادهایی در حوزه بین الملل وجود دارند که برخاسته از مقررات حقوق بین الملل هستند. (از این رو این نهادها بر مناسبات میان اعضای جامعه بین المللی حاکم هستند و به آنها نهادهای حقوقی بین المللی می گویند.)

۳. **سازمان های بین المللی و حقوق بین الملل:** سازمان هایی در حقوق بین الملل وجود دارد که قواعد حقوق بین الملل بر آنها حاکم است. این قواعد باعث شده است که شاخه ای با نام **حقوق سازمان های بین المللی** شکل بگیرد. حال، حقوق سازمان های بین المللی از دو جنبه قابل بررسی است: قواعد حاکم بر سازمانها / تصمیماتی که این سازمانها می گیرند.

۴. **تابعان حقوق بین الملل:** تابعان حقوق بین الملل در درجه اول کشورها و در درجه دوم، سازمان های بین المللی هستند. اشخاص حقیقی، شرکتهای خصوصی خارجی (مانند شرکتهای فراملی یا چندملیتی)، سازمان های بین المللی غیردولتی و نهضت های آزادیبخش (تحت شرایطی)، **صرفاً دریافت کننده قواعد حقوق بین الملل هستند؛** یعنی اگر موضوعی به این اشخاص مرتبط باشد؛ قاعده ای وضع می شود و الا صرفاً تابع منفعل هستند. به خاطر همین ابهامات (فعال یا منفعل بودن) است که به جای تابع، اعضا استفاده می شود. (از این رو گفته می شود که حقوق بین الملل، حقوق حاکم بر اعضای جامعه بین المللی است.) {تابع فعال یا منفعل را در صفحات بعد تشریح خواهیم کرد.}

۵. **روابط بین الملل و حقوق بین الملل:** اینگونه می توان بین این دو ارتباط برقرار کرد: حقوق بین الملل، قواعد حاکم بر روابط بین المللی است. البته می دانیم که ابتدا باید رابطه ای باشد تا قواعدی بر آن شکل گیرد. (پس استنباط می کنیم، روابط بین الملل مقدم بر حقوق بین الملل است و حقوق بین المللی از روابط بین الملل ناشی شده است.)

نکته: در گذشته اصل بر روابط خصمانه بوده و روابط دوستانه، استثناء بوده است اما امروزه با پذیرش دو اصل، روابط دوستانه، اصل و روابط خصمانه استثناء شده است: **اصل عدم توسل به زور / اصل تحریم جنگ**^۱

^۱ - **جنگ:** بارزترین نوع روابط خصمانه است؛ اما این نوع رابطه نیز تحت سیطره قواعد حقوق بین الملل قرار گرفته است به طوری که بخش عمده ای از مقررات بین المللی تحت عنوان حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح شده است. **توسل به زور:** توسط حقوق بین الملل عرفی و حقوق معاهده ای محدود شده است. در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است: «اعضای سازمان ملل متحد در روابط بین المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور یا هر گونه رفتاری که با اهداف ملل متحد مطابقت ندارد خودداری خواهند نمود.» اصل توسل به زور استثنائاتی نیز دارد: ۳ موردی که در منشور ملل متحد درج گردیده است: دفاع مشروع فردی و گروهی و اقدامات شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور

نکته: به یاد داشته باشید که فقط این ۳ استثناء (دفاع مشروع فردی و جمعی و اقدامات شورای امنیت بر اساس فصل هفتم) در منشور پذیرفته شده است. **در قضیه کنگو علیه اوگاندا در سال ۲۰۰۵** نیز، دیوان بین المللی دادگستری فقط این سه استثناء را پذیرفته شده است.

نکته: دفاع پیش دستانه و بازدارنده و جنگ پیش دستانه در منشور مورد اشاره قرار نگرفته است. ضمناً با اینکه منشور اشاره ای به دو مورد اخیر نداشته اما در رویه بین المللی، **دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه** دفاع پیش دستانه یا بازدارنده (دفاع پیش نگرانه) را پذیرفته است البته با رعایت شرایط آن، حال این شرایط عبارت است از: فوریت، ضرورت و رعایت اصل تناسب. دفاع پیش نگرانه اولین بار توسط آمریکا در ویتنام انجام شد. حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ نمونه

۶. **سیاست و حقوق بین‌الملل:** دکتر بیگدلی می‌خواهد بگوید که حقوق بین‌الملل و قواعد آن تا حدود زیادی متأثر از سیاست حکومت‌ها و سیاست بین‌الملل است.

۷. **حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌المللی عمومی:** دکتر بیگدلی می‌خواهد بگوید که هر چند این دو نقاط اشتراک و افتراق دارند؛ اما بر یکدیگر تاثیرگذارند و از این رو این دو نیز با هم مرتبط می‌باشند؛ از جمله اینکه عنصری شکلی باعث شده تقسیم بندی سنتی فوق، از هم بپاشد؛ به این صورت که: یک قاعده‌ای ممکن است درباره حقوق بین‌الملل خصوصی باشد *اگر از طریق معاهده میان کشورها منعقد شود*، از حیث شکلی به آن قاعده حقوق بین‌الملل عمومی گفته می‌شود؛ هر چند موضوع موادش، بین‌الملل خصوصی باشد. (پس در اینجا اصطلاحاً نفوذ حقوق بین‌الملل در حقوق خصوصی مطرح است. مثلاً در سال ۱۹۳۰ ما کنوانسیون داریم که در لاهه با موضوع تعارض قوانین تابعیت توسط دولت‌ها تصویب شده است. بنابراین می‌بینیم که این دو نوع از حقوق بین‌الملل بر یکدیگر تاثیر داشته‌اند.)

نکته: دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی^۱ در یکی از آرای خود (قضیه بدهی‌های صربستان و برزیل به فرانسه، به شرط پرداخت به طلا، مورخ ۱۹۲۹) چنین اعلام نظر می‌کند:

«قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، بخشی از حقوق داخلی است؛ مگر در فرضی که این قواعد مولود معاهدات بین‌المللی و یا عرف بین‌المللی باشند که در این صورت، قواعد یاد شده قواعدی بین‌المللی هستند که بر روابط میان کشورها حاکم هستند. هر معاهده‌ای که میان کشورها - در مقام تابعان حقوق بین‌الملل - منعقد نشده باشد؛ مبنایش در حقوق داخلی است.»

۸. **قلمرو حقوق بین‌الملل:** دکتر بیگدلی می‌گوید حقوق بین‌الملل دو قلمرو دارد:

قلمروی که عام است: از این نظر، برخی از قواعد حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی عام (کل جامعه جهانی) قابل اجراست.

قلمروی که خاص است: از این نظر، دسته‌ای از قواعد بین‌المللی فقط در روابط بین دو یا چند کشور حاکم است. (مانند معاهدات منطقه‌ای و یا معاهدات میان چند کشور)

نکته: اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری (در ماده ۳۸ اساسنامه) به حقوق بین‌الملل عام و حتی حقوق بین‌الملل خاص اشاره صریحی دارد.^۲

دفاع پیش‌دستانه و دفاع مشروع مقرر در منشور (۲) نوع دفاع قابل استنباط است بوده و حمله این کشور به عراق یک جنگ پیش‌گیرانه بوده است. حملات جنگنده‌های اسرائیلی بر پایگاه‌ها و تجهیزات واقع در سوریه و عراق نیز با دفاع پیش‌گیرانه توجیه شده است.

فقط برای این پاورقی از دو مقاله استفاده کرده‌ایم:

مقاله استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور / دکتر محمد مهدی یاقوتی / فصلنامه سیاست خارجی / سال ۲۵ / شماره ۴ / زمستان ۱۳۹۰

مقاله تاثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور» / دکتر جمشید ممتاز و بهزاد صابری انصار / مجله راهبرد / شماره ۶۳ / سال ۱۳۹۱

^۱ - دیوان دایمی دادگستری در دوران فعالیتش، به ۷۹ پرونده (۵۰ پرونده حل اختلاف و ۲۸ تقاضای رأی مشورتی) رسیدگی کرد. در مورد ۲۱ دعوی حل اختلاف قرار عدم صلاحیت و در مورد ۲۰ دعوی حل اختلاف رأی ماهیتی صادر کرد. از ۲۸ مورد درخواست رأی مشورتی فقط در یک مورد از دادن رأی امتناع کرد و در ۲۷ مورد رأی مشورتی صادر کرد. فعالیت این دادگاه در ۱۹۳۹ با حمله آلمان نازی به هلند در جریان جنگ جهانی دوم متوقف شد و ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ از طرف مجمع عمومی جامعه ملل رسماً منحل شد و دیوان بین‌المللی دادگستری جایگزین آن گشت.

سوال جهت افزایش اطلاعات آزمونی:

نخستین پرونده‌ای که در دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی مطرح شد کدام است؟ نخستین پرونده‌ای که در این دیوان رسیدگی شد؛ قضیه *ماوروماتیس* بود. قضیه "امتیازات ماوروماتیس" درباره دعوی یونان علیه انگلستان در سال ۱۹۲۵ در دیوان مطرح شد.

نخستین پرونده‌ای که در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد کدام است؟ نخستین پرونده‌ای که در این دیوان رسیدگی شد، مربوط به تنگه کورفو (میان آلبانی و انگلیس) بود که در ماه می ۱۹۴۷ در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد.

۲ - **ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری:**

۱- دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می‌شود بر طبق حقوق بین‌المللی حل و فصل نماید موازین زیر را اجرا خواهد کرد:

الف- عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب- عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است؛

ج- اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛ { *هنجارهای کلی که نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر هر جامعه بوده و قلمروی جهانی دارد.* منظور از ملل متمدن نیز کشورهای عضو منشور است. }

د- با رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل مختلف به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

نکته: ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات، وجود قواعد آمره معیار را (قواعد عام جهانشمول) در حقوق بین‌الملل عام به طور کامل به عنوان قواعد معیار پذیرفته شده از طرف جامعه مشترک کشورها (همه دولتها) به رسمیت شناخته است: «**ماده ۵۳**.. از نظر عهدنامه حاضر، قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که به وسیله اجماع جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده تخلف ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.»

تعریف نهایی دکتر بیگدلی بعد از ذکر نکات فوق به این شرح است: با توجه به نظر غالب و رای دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی در **قضیه لوتوس (که در سال ۱۹۲۷ صادر شده است)**^۱ می‌توان تعریف ذیل را از حقوق بین‌الملل ارائه داد:

حقوق بین‌الملل که از شعب حقوق عمومی است، حقوق جامعه بین‌المللی است؛ یعنی مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرائی است که ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این رشته حقوقی بر حقوق ملی یا داخلی کشورها تقدم و اولویت داشته و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ملزم به رعایت این قواعد در روابط خود هستند. البته حقوق بین‌الملل در موارد خاصی حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی، شرکت‌های خصوصی خارجی، سازمان‌های غیردولتی و نهضت‌های آزادی بخش را نیز معین می‌کند.

دکتر سید باقر میرعباسی

دکتر میرعباسی در کتاب حقوق بین‌الملل عمومی (جلد اول) بر ۲ تعریف، ترجیح داشته و اولی را تعریفی نظری و علمی (تئوریک) و دومی را تعریفی عملی و عینی می‌داند:

الف - حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه جهانی است.

تعریف اول نظری و تئوریک است: از این دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه اصول، قواعد و مقرراتی است که بر «جامعه جهانی» حکومت می‌کند. طرفداران این نظریه می‌گویند که حقوق بین‌الملل در حال تکامل تدریجی است و لذا نارسایی‌ها تدریجاً در آینده مرتفع خواهد شد. **منتقدان این نظریه، منکر وجود چنین جامعه‌ای هستند:**

۱. برای اینکه در جهان امروز تفاوت‌های مهم نژاد، عقاید، رسوم، ایدئولوژی‌ها وجود دارد که مجال طرح چنین نظریه‌ای را نمی‌دهد.

۲. فاصله رو به تزاید سطح زندگی ملت‌ها، امکان طرح چنین نظری را نمی‌دهد؛ بنابراین چنین تصویری بیشتر جنبه خیال دارد و واقعی نیست.

۲- مقررات این ماده حقی را که دیوان دادگستری بین‌المللی دارد و به موجب آن می‌تواند در صورت تقاضای طرفین درباره آنها به نحوی تساوی طبق قانون حکم دهد خللی وارد نمی‌آورد.»

۱ - **قضیه لوتوس که در آزمون دکتری نیز تا کنون سوال از آن طرح شده درباره چیست؟** در اثر تصادف میان کشتی فرانسوی پستی «لوتوس» و کشتی زغال‌کش و باری ترکیه‌ای به نام «بزکورت»، کشتی ترک در اعماق دریا غرق شد و ۸ تن از خدمه این کشتی ناپدید شدند. این حادثه دلخراش در دریای آزاد رخ داد. مدتی بعد، کشتی لوتوس در یکی از بنادر ترکیه (بندر قسطنطنیه در استانبول) پهلو گرفت و ناخدای بخت‌برگشته این کشتی بلافاصله بازداشت و محاکمه شد (براساس قوانین کیفری ترکیه به قتل غیر عمد ۸ خدمه ترک محکوم شد). دولت فرانسه اعتقاد داشت که در تصادف میان کشتی‌ها در دریای آزاد هر دولتی مسوول رسیدگی به تخلفات کشتی خودش است و در نتیجه این دولت فرانسه است که باید به تخلفات ناخدای کشتی لوتوس رسیدگی کند و نه دولت ترکیه. موضوع نهایتاً در دادگاه لاهه مطرح شد و این دادگاه در رای خودش اعلام کرد از آن جا که هیچ ممنوعیتی درباره اقدام دولت ترکیه در رسیدگی به تخلفات ناخدای کشتی خارجی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد، مسوولیتی متوجه دولت ترکیه نیست و دولت ترکیه را برای رسیدگی صالح دانست (دقت داشته باشید که دولت ترکیه به **اصل سرزمینی بودن قوانین خود** اشاره کرد). نکته مهم قضیه لوتوس این است که دیوان دایمی دادگستری در این قضیه نظر داد که صلاحیت سرزمینی یک اصل مطلقاً در خصوص جرایم کیفری نیست (یعنی یک اصل پذیرفته شده در همه کشورهای جهان نیست) و چنانچه کشوری (مانند ایران و ترکیه) این اصل را در قوانین خود پذیرفته باشد و آن **قانون مخالف قواعد حقوق بین‌الملل نباشد؛** ایرادی ندارد. بنابراین در دیوان (البته با رای نصف به علاوه یک که رئیس دیوان نیز طرف قضات طرفدار ترکیه را گرفت) به اصل عینی سرزمینی بودن قوانین کیفری ترکیه ایراد گرفته نشد.

نکته: تقدم قواعد حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی در قضیه لوتوس به چه صورتی عنوان شده است؟ این ضروری نیست که هر کشوری که در توجیه اعمال خود در صحنه بین‌المللی به یکی از قواعد حقوق بین‌الملل استناد کند؛ بلکه همان قدر که آن اعمال مخالف مقررات حقوق بین‌الملل نباشد، کافی است.

نکته: در قضیه لوتوس چه تعریفی از حقوق بین‌الملل تاکید شده است؟ حقوق بین‌الملل حقوق جامعه بین‌المللی است.

طرفداران این نظریه، می‌گویند:

۱. اولاً، حقوق بین‌الملل **در حال تکامل تدریجی است** و لذا وجود عوامل بازدارنده و نارسایی‌های موجود تدریجاً در آینده رفع خواهد شد.
۲. ثانیاً، پیشرفت‌ها مانند گسترش ارتباطات، امید **ایجاد جامعه واحد جهانی** را هر روز بیش از روز پیش گسترش داده است و از این رهگذر، اصولی به عنوان حداقل وجود دارد که همگان بر آن معترف هستند.
۳. ثالثاً، شرایط به نحوی است که مشارکت کشورها اجتناب ناپذیر است و تحقق این مشارکت، خواه ناخواه به یکپارچگی جهانی نیازمند است.
۴. رابعاً، به مصداق این جمله «بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند» از دیدگاه الهی و طبیعی، این نظریه، روندی کاملاً مطلوب در جهت تحقق یکی از اهداف و فلسفه وجودی خلقت انبای بشر است. بنابراین، از این دیدگاه، اثبات شخصیت حقوقی جامعه جهانی، و اصول و قواعد ناظر به آن، کاملاً پایه علمی دارد.

ب- حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه قواعدی است حاکم بر روابط فی‌مابین تابعان (اعضا) جامعه بین‌المللی

تعریف دوم عملی و عینی است: تا مدت مدیدی، فکر بر این بود که فقط دولت‌ها تابع حقوق بین‌الملل عمومی هستند اما به تدریج، سازمان‌ها و سایر عناصر بین‌المللی (از قبیل نهضت‌های آزادیبخش ملی و در موارد مهمی افراد) در زمره تابعان حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. این نظر، یک **تعریف عملی و عینی است**. مطابق این نظریه، حقوق بین‌الملل عمومی **مجموعه قواعدی است که حاکم بر روابط فی‌مابین تابعان (اعضا) جامعه بین‌المللی می‌باشد**. این موضوع مشابه تعریفی است که دیوان دایمی دادگستری لاهه در **قضیه لوتوس** در ۱۹۲۷ بیان کرده است:

هدف حقوق به منزله **حقوق جامعه بین‌المللی**، کشورها و دیگر گروه‌های بین‌المللی است و سایر گروه‌های مذکور شایستگی آن را دارند که **تابع حقوق ملل** نامیده شوند. بنابراین با این دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی **از حقوق داخلی کاملاً متمایز است**.

بنابراین: با نظریه فوق و همچنین نظر دیوان در قضیه لوتوس، حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی متمایز است؛ زیرا حقوق داخلی، حقوق بین افراد است؛ در حالی که حقوق بین‌الملل، **عمدتاً حقوق بین گروه‌هاست**.

دکتر هوشنگ مقتدر

حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد و اصولی است که در درجه اول حاکم بر روابط دولتهاست و قسمت عمده آن از قواعد و اصول الزام آور تشکیل شده است.

از دیدگاه دکتر مقتدر، تعریف فوق نیاز به توضیح دارد:

حقوق بین‌الملل به تدریج تحول یافته و شامل سازمان‌های بین‌المللی و افراد و شرکت‌ها نیز شده است ولی محور قواعد آن هنوز هم حقوق و تکالیف دولتهاست.

همه قواعد حقوق بین‌الملل جنبه الزام آور ندارند. برخی قواعد از روی حسن نیت و برای نزاکت بین‌المللی رعایت می‌شوند؛ **مانند سلام دادن به کشتی جنگی در دریا و یا مزایایی که برای پارک اتومبیل دیپلماتها در نظر گرفته می‌شود**. یک دسته قواعد هستند که جنبه استاندارد و راهنما دارند و به صورت الزام آور بیان نمی‌شود؛ مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ و یا استانداردهای توصیه شده سازمان بین‌المللی کار (آیلو) یا توصیه‌های جلسات مشورتی معاهده قطب جنوب. اینگونه قواعد در صورتی که مورد قبول دولت‌ها باشند؛ می‌توانند به صورت قواعد الزام آور درآیند.

دکتر حمید الهویی نظری^۱

از نظر دکتر نظری (و دکتر موسی زاده)، حقوق بین‌الملل را بر اساس تابعان آن به چند طریق می‌توان تعریف و دسته بندی کرد:

۱. مجموعه قواعدی که منحصرأ به روابط میان دولت‌ها می‌پردازد. **اوپنهایم، برابری، تریپل و آنزبلوتی** از جمله طرفداران این تعریف می‌باشند.
۲. مجموعه قواعدی که اصولاً روابط بین دولت‌ها را تنظیم می‌کند اما سازمان‌های بین‌المللی و افراد نیز تحت شرایطی می‌توانند تابع حقوق بین‌الملل محسوب شوند. (اصل بر تنظیم روابط دولت‌ها است). **کلسن، کاواره و شارل روسو** طرفدار این نظریه هستند.

^۱ - دکتر الهویی نظری استاد دانشگاه تهران و نویسنده کتابی است با عنوان حقوق بین‌الملل عمومی (ظاهراً از طراحان سوال نیز می‌باشد).

۳. مجموعه قواعدی است که روابط میان افراد را که به جوامع سیاسی مختلف تعلق دارند؛ تنظیم می‌کند. این تعریف برخلاف دو مورد قبلی، فقط افراد انسانی را اشخاص اصلی و واقعی حقوق می‌داند. طرفداران این نظریه، ایده‌آلیست با تمایلات حقوق بشری هستند و از جمله آنها می‌توان به طرفداران مکتب جامعه شناختی حقوق نظیر فرانسوا سوارز، لئون دوگی و ژرژسل اشاره کرد.

دکتر نظری با بیان این نظرات، تعریفی نهایی خود را از حقوق بین‌الملل ارائه می‌کند: حقوق بین‌الملل روابط میان اعضای جامعه بین‌المللی و تا حدودی افراد بشر را تنظیم می‌کند. ضمن آنکه باید توجه داشت که با گذشت و پیشرفت‌های بین‌المللی، برخلاف قبل (که تاکید بر دولت‌ها بود) نقش افراد بشر در مجموعه قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل در حال افزایش است؛ به طور نمونه می‌توان به ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد اشاره داشت که همکاری جهت تشویق و ارتقای حقوق و آزادی‌های اساسی را به عنوان هدف کشورهای عضو تلقی می‌کند؛» ماده ۱- مقاصد ملل متحد به قرار زیر است:

۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل؛
۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛

۳- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۱ برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد - جنس - زبان یا مذهب؛ و

۴- بودن مرکزی {منظور سازمان ملل است} برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می‌دارند.»

دکتر مصطفی تقی زاده انصاری

از دیدگاه دکتر انصاری، حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط میان اشخاص حقوق بین‌الملل است. از دیدگاه این استاد، حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی دارای چند تفاوت اصلی است:

۱. **از نظر قلمرو:** شعاع عمل حقوق بین‌الملل، بسیار گسترده‌تر از حقوق داخلی است؛ زیرا برخلاف حقوق داخلی، مختص به یک کشور نبوده بلکه حاکمیت آن به بیش از یک کشور گسترش می‌یابد.

۲. **از نظر اشخاص:** اشخاص حقوق بین‌الملل، متفاوت از اشخاص حقوق داخلی می‌باشد. در حقوق بین‌الملل، در مرحله اول دولت‌ها به عنوان اشخاص اولیه و مهمترین بازیگران جامعه بین‌المللی قرار دارند و سپس سازمان‌های بین‌المللی و نهایتاً افراد تحت حاکمیت آن حقوق می‌باشند. (از این رو تفاوت ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی ناشی از تمایزی است که میان اشخاص این دو حقوق وجود دارد؛ هم از نظر شکلی و از نظر ماهیتی.)

کک دین^۲

حقوق بین‌الملل حقوقی است که در جامعه بین‌المللی قابلیت اجرا دارد.

این تعریف در عین سادگی بیان کننده وجود یک جامعه بین‌المللی متمایز از جامعه ملی یا داخلی است و قلمرو اجرای هر یک از دو رشته حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را معین می‌کند و نیز موید پیوند جامعه شناختی میان حقوق و جامعه است.

تعریف دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی

قضیه بدهی‌های صربستان و برزیل به فرانسه، به شرط پرداخت به طلا، رأی مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۹

«قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی جزو حقوق داخلی اند» به استثنای مواردی که «قواعد یاد شده بر اساس موافقت نامه‌های بین‌المللی و یا به موجب عرف، وضع شده باشند.» در این صورت قواعد مذکور واجد خصوصیت حقوق بین‌الملل هستند که حقوق حاکم بر روابط میان دولت‌هاست.

تعریف دیوان بین‌المللی دادگستری

قضیه لوتوس:

حقوق بین‌الملل حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی است.

۱ - یکی از تنها موادی از منشور سازمان ملل است که در خصوص حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تاکید داشته است.

۲ - کک دین نویسنده کتابی است با عنوان حقوق بین‌الملل عمومی (در دو جلد) که دکتر حسن حبیبی آن را ترجمه کرده است.

سایر تعاریفی که از کتب اساتید مختلف استخراج شده است

تعریف حقوق بین‌الملل عام، خاص و جهانی

← **حقوق بین‌الملل عام:** آن گروه از قوانین و مقررات که مراعات آن برای تعداد بسیاری از کشورها، از جمله قدرت‌های بزرگ واجب است و وقتی عام است که کشورهای بزرگ نیز آن را پذیرفته باشند؛ مانند منع آزمایش‌های اتمی - البته مواردی هستند که حقوق بین‌الملل عام به صورت حقوق بین‌الملل جهانی (erga omnes) در می‌آید؛ مانند مقاوله نامه منع کار اجباری - منع تبعیض - مقاوله نامه منع بردگی

← **حقوق بین‌الملل خاص:** قوانین و مقرراتی که مراعات و اجرای آن فقط برای دو یا تعداد معدودی از کشورها لازم الاجراء است؛ مثل گرفتن عشریه از ماهیگیران خارجی در خلیج فارس - رسم رفتار با پناهندگان سیاسی فی‌مابین کشورهای آمریکای جنوبی

← **حقوق بین‌الملل جهانی:** erga omnes آن گروه از اصول و قواعد بین‌المللی است که مراعات آن برای کل کشورها بدون استثناء واجب است؛ مثل قوانین منع بردگی - منع کار اجباری - کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق تعهدات در ماده ۵۳ خود این گونه اصول را ضروری می‌شمارد و اشعار می‌دارد: **اصول آمره بین‌الملل قواعدی است که توسط اجماع جامعه جهانی پذیرفته و مورد قبول واقع شده است.** (و فقط با یک قاعده بعدی و با همان ارزش قابل نسخ است.)
مثال برای قواعد آمره: اصل وفای به عهد / اصل حسن نیت / اصل منع توسل به زور و تحریم جنگ / اصل منع تجاوز / اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت / اصل احترام به مالکیت و استقلال و تمامیت سرزمینی کشورها / اصل منع دزدی دریایی / اصل منع هواپیما ربایی / اصل منع نسل‌کشی / اصل منع شکنجه / اصل منع جنایات علیه بشریت / اصل منع جنایات جنگی / اصل منع بردگی / اصل عدم تبعیض نژادی / اصل احترام به حقوق و آزادی‌های بشر / اصل حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود.

دیوان بین‌المللی دادگستری اولاً اصول و قواعد بنیادین ناظر به حقوق بین‌الملل جهان‌شمول و آمره را مورد تایید قرار می‌دهد و ثانیاً قواعد عادی را هم مورد تایید قرار داده است. یکی از قواعد آمره‌ای که دیوان، مورد تایید قرار داده است؛ **حق تعیین سرنوشت** است. (این حق در منشور و دو میثاق مورد اشاره قرار گرفته است اما در اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت خیر)

نکته: اولین بار قاعده آمره در عهدنامه وین در زمینه حقوق معاهدات (۱۹۶۹) تعریف شد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در **قضیه بارسلونا تراکشن بهترین تعریف را در مورد قاعده آمره داشته است:**

دیوان در این رای قایل به تمایز و تفکیک اساسی میان تعهدات کشورها در قبال **جامعه بین‌المللی در کل (در کل)** به معنای اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی است) و تعهدات آنها در برابر یکدیگر شده است. دسته اول از حیث ماهیت به کلیه کشورها مربوط دانسته و نظر به اهمیت و نفع حقوقی که داند به عنوان تعهدات عام‌الشمول قلمداد کرده است.

نکته: مرجع اعلام کننده قواعد آمره: بهترین و بالاترین مرجع باید باشد که فعلاً سازمان ملل است (از طریق مجمع عمومی)، ضمناً نقش دیوان بین‌المللی دادگستری را نیز نباید نادیده انگاشت:

نکته مهم: قضایایی که دیوان در احراز و تبیین مفهوم جامعه بین‌المللی نقش مهم و موثری ایفا کرده است:

- ◆ کانال کورفو، به «ملاحظات بنیادین انسانی» ۱۹۴۹
- ◆ حق شرط‌ها نسبت به کنوانسیون منع و مجازات کشتار جمعی به «ارزش جهانی غالب» ۱۹۵۱
- ◆ بارسلونا تراکشن به «تعهدات عام» و تعهدات در برابر «جامعه بین‌المللی در کلیت خود» ۱۹۷۰
- ◆ دیوار حائل به «اصول تخطی ناپذیر» حقوق بین‌الملل عرفی / ۲۰۰۴
- ◆ کنگو علیه رواندا به «قواعد آمره» حقوق بین‌الملل / ۲۰۰۶

تعریفی که نهایتاً انتخاب می‌شود؛ (نظر دکتر بیگدلی)

حقوق بین‌الملل که از شعب حقوق عمومی است، حقوق جامعه بین‌المللی است؛ یعنی مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرائی است که ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این رشته حقوقی بر حقوق ملی یا داخلی کشورها تقدم و اولویت داشته و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ملزم به رعایت این قواعد در روابط خود

هستند. البته حقوق بین‌الملل در موارد خاصی حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی، شرکت‌های خصوصی خارجی، سازمان‌های غیردولتی و نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز معین می‌کند.

گوشزد: یکی از طراحان سوالات آزمون حقوق بین‌الملل و یا رفرنس آزمونی، دکتر هدایت الله فلسفی است؛ ایشان درباره حقوق بین‌الملل نظرشان بر این است که قواعد حقوق بین‌الملل همانند قواعد داخلی کشورها لازم‌الاجراء نیست و هنوز به الزام آوری و ضمانت اجرایی کافی نرسیده است؛ اما این جریان به سمت جایگاه بهتر داشتن قواعد حقوق بین‌الملل و الزام آوری آن پیش می‌رود. همچنین فعلا دلیل کافی‌ای وجود ندارد که ضمانت اجرایی قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته شود.

سؤال دکتری سراسری ۱۳۹۰: تعریف حقوق بین‌الملل به مجموعه قواعد و مقررات ناشی از اراده صریح یا ضمنی دولت‌ها:

الف- نافی ضمانت اجرای موثر حقوق بین‌الملل است. ب- مبین اولویت روابط بین‌الملل بر حقوق بین‌الملل است.

ج- موید رابطه منطقی میان قواعد حقوق بین‌الملل است. د- قادر به توجیه نیروی الزام آور قواعد بین‌المللی نخواهد بود.

*گزینه د صحیح است. هر چند حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد ناشی از اراده صریح یا ضمنی کشورها است اما قادر به توجیه نیروی الزام آور قواعد بین‌المللی نیست چرا که کشورها کمتر این قواعد را با ضمانت‌های آن قبول می‌کنند؛ اما در نهایت در برابر این ممانعت و ایستادگی دولت‌ها آرام آرام به سمت الزام آور شدن و حمایت از حقوق ملت‌ها پیش می‌رود. (دکتر فلسفی)

مطلب فرعی: حقوق بین‌الملل عمومی توسط اساتید و حقوقدانان دیگری نیز تعریف شده است که به علت فرعی بودن به دو سه تعریف دیگر

نیز اشاره می‌کنیم: ژرژسل، دانشمند معروف فرانسوی، حقوق بین‌الملل عمومی را چنین تعریف کرده است: «حقوق بین‌الملل به معنی کامل کلمه، عبارت از نظام حقوقی جامعه ملت‌ها یا جامعه جهانی افراد بشر می‌باشد. حقوق بین‌الملل یک نظام حقوقی متعالی است؛ یعنی فوق نظام‌های حقوقی دیگر، اعم از ملی و فدرال قرار دارد و قواعد آن بر قواعد داخلی ممالک مختلف مقدم و اولویت دارد.»

به عقیده اوپنهایم، حقوقدان انگلیسی، حقوق بین‌الملل شامل قواعدی است که مبنای آن عرف و عادت یا قراردادهای بین‌المللی است و دولت‌های مختلف در روابط با یکدیگر آن قواعد را اجرا می‌کنند. به عقیده شارل روسو، استاد دانشکده حقوق پاریس، حقوق بین‌الملل اساساً حاکم بر روابط دولت‌ها یا حاکم بر روابط اشخاص حقوق بین‌الملل می‌باشد. هدف این حقوق سه چیز است: ۱. تعیین صلاحیت دولت‌ها؛ زیرا هر دولت در حدود جغرافیایی معین و مشخص صلاحیت اجرای قواعد و انجام وظایفی را دارد و در خارج از آن حدود (جز در موارد استثنایی) فاقد صلاحیت می‌باشد. ۲. تعیین تعهدات دولت‌ها که ممکن است جنبه منفی یا مثبت داشته باشد. این تعهدات موجب می‌شود که صلاحیت دولت‌ها طبق مقررات حقوق بین‌الملل محدود شود. ۳. تنظیم صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی.

تمایزات حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی

نظرات دکتر میرعباسی در خصوص مقایسه حقوق بین‌الملل عمومی با حقوق داخلی با بررسی‌ای که صورت گرفت قابل فهم‌تر است؛ اما دیدگاه اکثر اساتید که کمی مبهم‌تر بوده در بخش نکات مهم (پایان مبحث تمایزات) آمده است:

- حقوق داخلی حقوقی است الزامی در حالی که حقوق بین‌الملل حقوقی ناظر بر روابط و همکاری است.
- در حقوق داخلی، ارگانهای اجرایی، قضایی اجرای این حقوق را ضمانت می‌کنند و در صورت ضرورت موجبات قهری اجرای آن را فراهم می‌کنند؛ اما در حقوق بین‌الملل ضمانت‌ها قوی نیست؛ چون سازوکارهای قطعی و کامل وجود ندارد.
- تعداد تابعان داخلی بسیار مفسلند برخلاف تعداد تابعان حقوق بین‌الملل؛ چرا که تابعان حقوق بین‌الملل عموماً دولت‌ها و سپس سازمان‌های بین‌المللی هستند.
- قلمرو اجرای حقوق داخلی بسیار وسیع است و نتیجتاً، حقوق داخلی بسیار کلی است؛ در حالی که قلمرو اجرای حقوق بین‌الملل نیز بالطبع محدود است و تعداد قابل ملاحظه‌ای از قواعد آن بر تعداد معینی از تابعان این حقوق قابلیت اجرا دارد (حقوق بین‌الملل خاص) و در مقایسه، تعداد اینگونه قواعد (حقوق بین‌الملل خاص)، بیشتر از قواعد کلی حقوق بین‌الملل است.

نظرات مرتبط با این بحث که: حقوق داخلی برتر است یا حقوق بین‌المللی؟

نخستین بار این مساله در پایان قرن ۱۹ توسط تریپل (Heinrich triepel) مطرح شد. تریپل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را در ساختمان حقوقی مجزا و مشخص فرض کرد و روابط آن‌ها را از نظر اساس و موضوع و منبع مقایسه نمود و نتیجه گرفت که این دو رشته حقوق اساساً با یکدیگر ارتباطی ندارند از آن پس نویسندگانی به طرفداری از این نظر پرداختند و دلائل جدید در اثبات مدعای او آوردند و در مقابل نویسندگان دیگری هم پیدا شدند که نظریه وی را باطل خوانده و حقوق بین‌الملل و داخلی را از یک اصل و منشاء دانسته و این دو رشته از حقوق را به مانند دو طبقه از یک ساختمان حقوقی واحد وانمود کردند و اختلاف نظر بین این دو گروه تا به امروز ادامه دارد و به جای آنکه در نتیجه مباحثات فراوان دانشمندان حقوقی نظر واحدی پیدا کنند به مرور زمان دامنه اختلافات ایشان گسترش یافته و هر دسته به گروه و گروه‌های کوچک‌تری تقسیم

شده است و اما در این میان دولت‌ها در مواردی نظریه یگانگی و در موارد دیگر نظر دوگانگی را پذیرفته و به آن عمل کرده‌اند. اما برخی نیز نظریه هماهنگی را مطرح کرده‌اند:

اول) نظرات طرفداران دوگانگی یا ثنویت (دو آلیسم):

نخستین کسی که بحث دوگانگی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را پیش کشید؛ **هاینریش تریپل** حقوقدان آلمانی و استاد دانشگاه برلین بود. وی در کتابی بنام حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی که در سال ۱۸۹۹ میلادی منتشر ساخت؛ رابطه بین این دو رشته حقوق را از نظر فلسفی و عملی مورد بررسی قرار داد. بعد از تریپل شخصی بنام **(دیونیزیو) آنزیلوتی (D. Anzilotti)** در سال ۱۹۰۵ میلادی کتابی را برای اثبات دوگانگی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی منتشر کرد؛ البته راهی غیر از راهی که تریپل در پیش گرفته بود را انتخاب کرد و قدرت استدلال وی چنان بود که تا سال‌ها گفته‌های او عقیده رایج و بلا منازع بین حقوقدانان بود. از دیگر پیروان این مکتب می‌توان به اپنهیم، کارل اشتروپ، لیست، موناکو، مورلی، زیکاردی، بالادورپالیری، کاوالیری، ردسلوب، والتز، ورس اشاره کرد. خلاصه و چکیده نظرات طرفداران دوآلیسم به شرح ذیل است:

- ✓ (این گروه معتقدند) چون حقوق عمدتاً **محصول اراده حاکمیت های مستقل** است، پس باید گفت آنچه حقوق بین‌الملل نامیده می‌شود؛ شالوده اراده دو یا چند حاکمیت است.
- ✓ نظم حقوقی بین‌المللی، جدید است اما نظم داخلی قدیمی‌تر است.
- ✓ مخاطب حقوقی بین‌المللی، اساساً دولت‌ها هستند اما نظم داخلی مخاطبانش افراد هستند. (حقوق بین‌الملل روابط میان دولت‌های حاکم و مستقل را تنظیم می‌کند اما حقوق ملی امور داخلی کشور را نظم می‌بخشد).
- ✓ نظم داخلی به دلیل قدمت بیشتر دارای ضمانت اجرای بیشتری است.
- ✓ مهمترین دلیل برای ثنویت این است که قواعد حقوق بین‌الملل مستقیماً و بی‌واسطه در جوامع داخلی قابل اعمال نیست، بلکه باید مرجع ذی صلاح ملی فعل و انفعالی بر آن انجام دهد تا قابل پذیرش شود یعنی با تصویب مجلس کشورها. **پس برای آنکه یک قاعده حقوقی بین-المللی در حقوق داخلی دارای ارزش و آثار گردد؛ باید طبق قواعد حقوق داخلی پذیرفته شود.**

✓ **مهمترین دلیل برای ثنویت** این است که قواعد حقوق بین‌الملل مستقیم و بلاواسطه در جوامع داخلی قابل اعمال نیست؛ بلکه باید مراجع ذی‌صلاح ملی یا داخلی، فعل یا انفعالی بر آن انجام داده تا قابل اعمال باشد. (قابل پذیرش باشد: receptipon) و زمانی که این قواعد با یک انفعالاتی (مثلاً تصویب کنگره یا پارلمان یا نظام تقنین) به حقوق داخلی تبدیل شد؛ قابل اعمال است که این خود نشانه ثنویت و دوگانگی است.

انتقاد بر نظریه دوگانگی: این نظریه امروزه پیروانی ندارد و حتی بعضی از نویسندگان که به جنبه عملی دوگانگی حقوق اعتقاد دارند نسبت به صحت اساس این نظریه اظهار تردید می‌نمایند و صرفنظر از انتقادهائی که از لحاظ منطقی و فلسفی بر نظریه فوق است؛ در عمل هم اجرای این نظریه موجب تناقضاتی می‌شود.

نکته مهم: خلاصه اینکه، یک دیدگاه مهم در دوگانگی وجود دارد: برای آن که یک قاعده حقوقی بین‌المللی در حقوق داخلی دارای ارزش و آثار گردد باید طبق قواعد حقوق داخلی پذیرفته شود.

دوم) نظرات طرفداران وحدانیت یا یگانگی:

پیروان مکتب حقوقی طبیعی (مانند کلسن) قائل به وحدانیت یا یگانگی می‌باشند. این گروه معتقدند که یک نظم حقوقی در جهان وجود دارد؛ چون هدف حقوق تنظیم روابط انبای بشر و موضوع حقوق افراد است. بنابراین به جای اصطلاح حقوق بین‌الملل عمومی لازم است؛ اصطلاح **حقوق انبای بشر** را نام ببرند (حقوق مجموعه قواعدی است مبتنی بر عقل و فطرت که در روابط میان افراد، بدون دخالت قدرت‌های اجتماعی الزامی است). پس مخاطب واقعی حقوق افرادند و نهایتاً همه رشته‌های حقوق می‌خواهند روابط افراد را تنظیم کنند. **این دیدگاه بر مکتب اراده حق استوار است.** در نظر طرفداران این نظریه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی از یکدیگر جدا نبوده بلکه قسمت‌های مختلفی از یک بنای واحد حقوقی را تشکیل می‌دهند؛ اما در اینکه جای هر یک از دو رشته در این بنای حقوقی کجاست؟ بین پیروان این مکتب اختلاف است. از دیدگاه طرفداران این مکتب، قواعد حقوقی، قواعدی عام و جهان شمول هستند. **ضمن اینکه قواعد حقوق ثابت و لایتغیر می‌باشند.**

پس از جمله ویژگی‌های مکتب حقوق فطری:

جهانشمولی قواعد حقوق بین‌الملل – الزام آور بودن – مبتنی بر عقل و فطرت بودن – ثابت و لایتغیر بودن است.

نکته: به نظر دکتر میرعباسی: واقعیت‌ها نشان دهنده این است که حقوق به سمت وحدانیت و یگانگی پیش می‌رود. (اما این استاد مشخص نمی‌کند که کدام نظریه از مکتب مونیسم را قبول دارد و فقط بعد از ذکر این نکته اشاره به هر دو مکتب زیر مجموعه دارد {با برتری حقوق داخلی/ با برتری حقوق بین‌المللی} بنابراین مکتب مونیسم به دو شعبه تقسیم می‌شود:

◆ الف – عده ای به تقدم حقوق داخلی معتقدند. (یگانگی حقوق با برتری حقوق داخلی)

◆ ب- دومین گروه هم حقوق بین الملل را مقدم می دانند. (یگانگی حقوق با برتری حقوق بین الملل)

* **نظر طرفداران برتری حقوق خصوصی:** با بررسی قواعد جوامع از گذشته‌های دور و تاریخ بشر متوجه می‌شویم که اولین قواعد شکل گرفته بین مردم قواعد حقوق خصوصی بوده و در ثانی اگر بخواهیم بگوییم که حقوق عمومی مقدم است؛ مطلقاً باید بپذیریم که اول جوامع و شهرها شکل گرفتند.

مثال: هر چند قواعد حاکم بر معاهدات بین‌المللی باید منطبق با مقررات مندرج در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات باشد؛ اما این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که برای تشخیص مقام صلاحیت دار کشورها برای تصویب معاهدات بین‌المللی باید به قوانین اساسی و سایر قوانین و مقررات آنها مراجعه کرد و یا اینکه اطلاع از مقررات مربوط به انتخاب نمایندگان سیاسی (سفرا، کارداران، دیپلمات‌ها) تنها با مطالعه مقررات داخلی انجام می‌پذیرد.

* **نظر طرفداران برتری حقوق بین الملل:** اول اینکه برای محدود کردن حقوق داخلی به عرف بین‌المللی استناد می‌کنیم در ثانی امروزه به وسیله حقوق بین‌الملل اجازه تجاوز به کشورهای دیگر داده نشده است. مطابق این دیدگاه سلسله مراتب در نظام حقوقی به این شکل است:

۱. حقوق بین الملل

۲. حقوق عمومی داخلی

۳. حقوق خصوصی

مثال: در بعضی عهدنامه‌هایی که بین دولت‌ها منعقد شده، اصل تقدم حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی صریحاً مورد قبول دولت‌های متعاقد واقع شده است؛ چنانکه در عهدنامه بین فرانسه و سوئیس مورخ ژوئن ۱۹۵۵ چنین مذکور است: «دو دولت تصدیق می‌کنند که قراردادهای و عهدنامه‌های بین‌المللی بر حقوق داخلی تقدم و اولویت دارند.»

نکته: از جمله طرفداران مشهور مونیسم می‌توان به **کلسن و لاتریخت** اشاره کرد که هر دو معتقد به برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی در صورت تعارض هستند.

نکته: به نظر **ربکا والاسی:** در صورت تعارض بین حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی: بایستی یقیناً حقوق بین‌الملل اعمال شود.

نکته: **کلسن تئوریسین نظریه یگانگی با تقدم حقوق بین‌الملل است. این نظریه اکنون در جهان با اقبال عمومی مواجه شده است.**

سوم) دیدگاه هماهنگی:

این دیدگاه معتقد است که تقسیم دیدگاه‌های مربوط به رابطه حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی به دو دیدگاه مونیسم و دوآلیسم با دنیای واقعی و رویه عملی دولت‌ها محاکم داخلی و سازمان‌های بین‌المللی مطابقت نمی‌کند. **سر جرالد فیتز موریس قاضی و حقوقدان معاصر انگلیسی** معتقد است هیچ نوع تعارضی بین این دو نوع حقوق نیست و هر یک افراد و قلمرو و وظایف خاص خود را دارد. در صورتی که دولتی که در راستای انجام تعهدات حقوق داخلی ناقض یک تعهد بین‌المللی گردد می‌بایست مسئولیت بین‌المللی آن را بپذیرد؛ از این رو دولت‌ها سعی کرده‌اند در عمل این تعارض وظایف، نه تعارض دو سیستم حقوقی را به حداقل کاهش دهند.

نکته: **جرالد فیز موریس** وجود هرگونه تعارض را میان نظام داخلی و نظام حقوق بین‌الملل رد می‌کند؛ این نظریه «**مصالحه نامه فیتز موریس**» نام دارد. این نظریه با متفاوت شمردن حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی، معتقد است طبیعتاً به دلایلی، برخی مواقع، حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دارای اشتراکاتی نیز هستند که **این نوع تعارض، تعارض میان نظام‌های حقوقی نیست بلکه تعارض بین تعهدات است.**

نکته: این دیدگاه سوم خالی از مناقشه نیست و یک خلط بین بحث نظری با عملی می‌باشد.

نتیجه: سازوکارهایی که در عمل اعمال می‌شود:

هر قدر که حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی جدا از یکدیگر فرض شوند، خواه ناخواه در موارد بیشماری با یکدیگر تماس پیدا می‌کنند به طوری که از عمل دولت‌ها استنباط می‌شود روابط حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی به طور کلی به ۴ طریق ممکن است باشد، دو طریق آن که **احاله و وصول** است اصلی بوده و به مانند پلی دو قلمرو مجزای حقوق را به هم مربوط می‌سازد و دو طریق دیگر که **تعارض و تکمیل است** احتمالی و فرعی می‌باشد؛ زیرا به دنبال دو طریق اصلی ممکن است به وجود آید.

۱. **احاله:** یک سیستم حقوقی موضوعی را که به قلمرو خودش مربوط است؛ به سیستم حقوقی دیگر واگذار کند یا به اصطلاح دیگر، احاله دهد، در ماهیت احاله بین مکتب‌ها اختلاف است، قائلین به دوگانگی، احاله را مانند پلی می‌دانند که دو قلمرو مستقل حقوقی را به هم مرتبط می‌سازد ولی طرفداران یگانگی با برتری بین‌الملل قائل به این هستند که احاله نوعی وکالت است از طرف بین‌الملل به داخلی.

۲. **وصول:** یک سیستم حقوقی موضوعی را که به سیستم حقوقی دیگر تعلق دارد، تغییر شکل و ماهیت داده، به صورت قواعد مخصوص خود در آورد. در این مورد هم غالباً حقوق داخلی مسائل را از حقوق بین‌الملل وصول می‌کند؛ مثلاً یک قرارداد بین‌المللی که منعقد می‌گردد؛ دولتها برای آنکه آن را در قلمرو خود لازم‌الاجرا نمایند؛ محتویات قرارداد را به صورت قوانین خود در می‌آورند. نتایج وصول به شرح ذیل است:

الف) ارزش قواعد از یک رشته حقوق به حقوق دیگری منتقل می‌شود.

(ب) اشخاص یک سیستم حقوقی جانشین اشخاص سیستم حقوقی دیگر می‌شوند.
(ج) قلمرو اعتبار مقررات حقوقی گسترش می‌یابد.

۳. **تکمیل:** یک سیستم حقوقی برای اجرای قواعدی که متعلق به سیستم حقوقی دیگر است؛ مقرراتی وضع کند و آن را تکمیل نماید و به عبارت دیگر بازوی اجرائی برای سیستم حقوقی دیگر باشد؛ این نوع از عمل هم بیشتر توسط حقوق داخلی انجام می‌شود. مثلاً دو کشور برای مبارزه با قاچاق و مواد مخدر قراردادی می‌بندند برای اجرای این تعهدات، هر یک از کشورها باید قوانین لازم را وضع نماید تا بتواند آن تعهدات را اجرائی کند.

نتایج تکمیل و یا آثار نظام تکمیل به شرح ذیل است:

(الف) ارزش قواعد از یک سیستم حقوقی به سیستم حقوقی دیگر منتقل می‌شود.
(ب) قلمرو سیستم حقوقی گسترش می‌یابد.

۴. **تعارض:** این است که بین دو سیستم حقوقی تضاد و تعارض در عمل وجود داشته باشد؛ مثلاً کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق زن در ایران تصویب نشد زیرا برخی معتقدند که مفاد آن با تعالیم اسلامی و قواعد شرعی متعارض می‌باشد. حال باید دید در چنین مواردی چاره چیست و کدام یک از دو رشته را باید برتر شمرد؟ روی هم رفته نه در دکتترین و نه در عمل یک راه حل قطعی و منطقی هنوز یافت نشده است و در عمل مقررات هر دو حقوق بدون توجه به تعارض بین آنها به قوت و اعتبار خود باقی هستند و در این بین طرفداران افراطی نظریه یگانگی با تقدم بین‌الملل، قانون داخلی را باطل و کان لم یکن می‌دانند ولی گروهی که معتدل‌تر هستند؛ می‌گویند: قانون داخلی باطل نیست بلکه تنها موجب مسئولیت دولتی می‌شود.

قضایای بین‌المللی با برتری حقوق بین‌المللی بر حقوق داخلی

دیوان دایمی دادگستری در رای شماره ۹ خود در خصوص کشتی لوتوس در سال ۱۹۳۰ اعلام کرد که: «این اصل مورد قبول عموم دولت‌هاست که در روابط بین دول امضا کننده یک عهدنامه، مقررات حقوق داخلی نمی‌تواند بر مقررات عهدنامه بین‌المللی تقدم داشته باشد.» همچنین این دیوان در قضیه اختلاف بین فرانسه و سوئیس راجع به مناطق آزاد، در مورد تقدم حقوق بین‌الملل چنین اظهار نظر کرده است: «دولت فرانسه نمی‌تواند برای محدود کردن تعهدات بین‌المللی خود به قوانین داخلی خود استناد کند.»

قضایای بین‌المللی با برتری حقوق داخلی بر حقوق بین‌المللی

دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی در قضیه برخی منافع آلمان در سلیزی علیای لهستان اعلام می‌دارد:

«مسئلاً از دیوان خواسته شده که قوانین موجود لهستان را تفسیر نماید، اما مانعی وجود ندارد که از صدور رأی دیوان در مورد این که آیا لهستان در اجرای آن قوانین به تعهدات خود نسبت به آلمان براساس کنوانسیون ژنو عمل کرده، جلوگیری کند.»

دیدگاه عملی کشور انگلستان: در انگلستان در ارتباط با قابلیت تسری قواعد حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی، اساساً دو نظریه مطرح است:

(الف) نظریه تبدیل (ب) نظریه تلفیق.

(الف) **نظریه تبدیل:** بر اساس این نظریه، نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل دو نظام کاملاً متمایز می‌باشند. از این دیدگاه، قوانین بین‌المللی زمانی در صحنه داخلی اعتبار می‌یابند که در اثر استفاده از دستگاه قانونی مناسب مانند تصویب توسط مجلس، صریحاً و مشخصاً به یک قانون داخلی تبدیل شده باشند.

(ب) **نظریه تلفیق:** بر این پایه استوار است که حقوق بین‌الملل به خودی خود و بدون نیاز به روش تصویب و تأیید قانونی بخشی از حقوق داخلی و جزو لاینفک آن به شمار می‌آید. این نظریه در قرون هجدهم توسط بکلستون تبیین شد.

موضع انگلستان نسبت به حقوق بین‌الملل عرفی: در قرن نوزدهم «نظریه تلفیق» در دعاوی مختلف و از سوی نویسندگان متعددی پذیرفته شده بود؛ ولی به مرور زمان این نظریه ارزش اولیه خود را از دست داد و «نظریه تبدیل» جایگزین آن شد. بر این اساس، قواعد حقوق در صورتی جزئی از حقوق انگلیس به شمار می‌آیند که از طریق قانونگذاری، رویه حقوقی و هر شیوه قانونگذاری دیگر، صراحتاً پذیرفته شده باشند. دعوای «رجنیا در برابر کین»^۱ در سال ۱۸۷۶ نقطه عطفی در تغییر رهیافت‌ها تلقی می‌شود. از آن تاریخ، دادگاه‌های انگلیس بیشتر از رهیافت تبدیل تبعیت می‌کنند.

موضع انگلستان نسبت معاهدات: از آنجا که اجرای معاهدات در یک کشور نمی‌تواند بدون گذراندن مراحل تصویب قانونی صورت گیرد؛ گرایش حاکم چیزی جز رهیافت تبدیل نخواهد بود. هرچند مراحل اولیه انعقاد معاهدات به وسیله قوه مجریه انجام می‌پذیرد، در نهایت تصویب مجلس برای لازم‌الاجرا شدن معاهده ضروری و الزامی است. عدم احساس نیاز به تصویب قوه مقننه بدین معنا خواهد بود که قوه مجریه می‌تواند رأساً اقدام به وضع قانون کند که این خود خلاف موازین قانونی است. بدین ترتیب، معاهداتی برای انگلستان لازم‌الرعایت هستند که به تصویب مجلس آن

^۱ - دعوای مذکور در ارتباط با یک کشتی آلمانی به نام «Franconia» بود که در سه مایلی ساحلی انگلستان در کانال مانس با یک کشتی انگلیسی تصادم و آن را غرق کرده بود. کاپیتان آلمانی پس از مرگ یک مسافر کشتی بریتانیایی به جرم قتل غیرعمد مورد تعقیب قرار گرفت.

کشور رسیده باشند و عمل تبدیل صورت گرفته باشد. لازم به یادآوری است که برخی از معاهدات، مانند معاهدات مربوط به جنگ، از این قاعده مستثنا شده اند. اینگونه معاهدات بدون دخالت تقنینی برای کلیه کشورها لازم الاتباع هستند.

دیدگاه عملی آمریکا: موضع آمریکا راجع به حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل تشابه زیادی با رویه انگلستان دارد. پذیرش نظریه تلفیق با عناصری از رهیافت تبدیل را می‌توان رویه فعلی ایالات متحده آمریکا دانست.

نکته نهایی: از دیدگاه عملی کشورها یک دیدگاه به خصوص را معین نکرده‌اند و چه بسا در آن‌ها تضادهایی هم باشد ولی پیشرفت نظام‌های حقوقی بیشتر به طرف نظریه یگانگی با تقدم حقوق بین‌الملل است البته نظام حقوقی ایران بیشتر میل به نظریه یگانگی با تقدم حقوق داخلی دارد.

دیدگاه عملی جمهوری اسلامی ایران: با توجه به اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی معاهدات بین‌المللی در حکم قانون عادی می‌باشد (معاهده با قانون برابر است). در هنگام اجرای قواعد، ابهام، اجمال، نقص، سکوت و تعارض آن مشخص می‌شود و از نظر قضایی دادگاه ایرانی تعارض بین معاهده و قانون داخلی را بر اساس اصول لفظی چون عام و خاص، مطلق و مقید یا تقدم و تأخر، حل خواهد کرد. از حکم ماده ۹ قانون مدنی می‌توانیم نتیجه بگیریم که معاهده و قانون عادی در یک سطح قرار دارند و بنابراین قواعد رفع تعارض بین قوانین (تقدم قانون موخر بر مقدم، تقدم خاص بر عام، تقدم مقید بر مطلق) در رابطه بین قانون و معاهده نیز باید به کار گرفته شوند. اما با وجود قواعد بنیادینی که بر روابط قوانین عادی با یکدیگر و روابط معاهدات با یکدیگر و قوانین عادی، وجود دارد، نمی‌توان به دستاویز تعبیر مجمل "در حکم قانون"، همه قواعد دیگر را نادیده گرفت و به هم سطح بودن معاهدات با قانون عادی حکم کرد و تعارض جدید هویدا نمود. نتیجه اینکه اولاً، تعیین سلسله مراتب بین هنجارها، در حوزه صلاحیت قانونگذار اساسی باید باشد، و ثانیاً هم ارزش دانستن معاهده با قوانین، با این اشکال مهم مواجه است که باید قانونگذار عادی بتواند با قانون مؤخر، معاهده را نسخ کند و چون این نتیجه با قواعد بنیادین حقوقی دیگری ناسازگار است، برای ماده ۹ معنایی بیش از این نباید در نظر گرفت که معاهدات مانند قوانین به تصویب مجلس می‌رسند و قدرت قانون دارند. اما اینکه قانون یا معاهدات چگونه نسخ و فسخ می‌شوند، با وجود قواعد مهم و شناخته شده حقوقی، نمی‌شود از عبارت "در حکم قانون" استخراج شود. اما اینکه هرگاه قانونی مخالف با عهدنامه وضع شود وظیفه قاضی چیست؟ پاسخ روشن است معاهده در جایگاه فراتر از قانون عادی قرار دارد. زیرا معاهده قرارداد است و اصولاً با اراده‌هایی که آن را ساخته اند قابل فسخ و نسخ است و چون با اراده یکجانبه قابل نسخ نیست برتر از اراده یکجانبه است و بنابراین معاهده باید بر قانون عادی تفوق داده شود. افزون بر این، مواد ۹۷۴ و ۱۳۲۰ قانون مدنی که در مورد وضعیت‌های خاصی انشاء شده اند، عهدنامه‌ها را مقدم بر قانون می‌دانند.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۹ - جمله زیر با کدام نظریه انطباق دارد؟

«برای آن که یک قاعده حقوقی بین‌المللی در حقوق داخلی دارای ارزش و آثار گردد باید طبق قواعد حقوق داخلی پذیرفته شود.»

- (۲) یگانگی حقوقی با تقدم حقوق داخلی
(۴) دوگانگی حقوقی

- (۱) برابری حقوق داخلی و بین‌المللی
(۳) یگانگی حقوقی با تقدم حقوق بین‌الملل
گزینه ۴ صحیح است.

سوال دکتری سال ۹۹ - با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران، کدام گزینه راجع به حل تعارض بین قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی ایران صحیح است؟

- (۱) از آنجا که ماده ۹ معاهده را در حکم قانون قرار داده است، بیانگر برتری قوانین داخلی بر حقوق بین‌الملل است.
(۲) این ماده یک قاعده حقوق داخلی است و حاوی هیچ حکمی در زمینه تعارض قانون داخلی با معاهدات بین‌المللی نیست.
(۳) بیانگر شأن برابر قانون داخلی و حقوق بین‌المللی است، ولی دادگاه ایرانی به دلیل احتمال مسئولیت بین‌المللی دولت، معاهده را مقدم می‌دارد.
(۴) جایگاه معاهده با قانون برابر است و دادگاه ایرانی تعارض بین معاهده و قانون داخلی را بر اساس اصول لفظی چون عام و خاص، مطلق و مقید یا تقدم و تأخر، حل خواهد کرد.
گزینه ۴ صحیح است.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۵ - در خصوص جایگاه حقوق بین‌المللی در نظام حقوقی ایران، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) در صورت مغایرت قانون داخلی موخر با معاهده بین‌المللی مقدم، معاهده بین‌المللی اولویت دارد.
(۲) معاهدات بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی، قدرتی برابر با قانون اساسی دارند.
(۳) معاهدات بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی، در حکم قانون است.
(۴) قواعد عرفی بین‌المللی پذیرفته شده در سطح جهانی، در حکم قانون عادی است.
در حقوق موضوعه ایران معاهدات بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی، در حکم قانون است؛ که منظور از آن در حکم قانون عادی می‌باشد. اما در رابطه با اینکه اینگونه معاهدات در حکم قانون جایگاه بالاتری است یا خیر باید گفت که قراردادها و معاهدات بین‌المللی در تعارض با قانون اساسی در جایگاه پایین تری قرار می‌گیرند.
گزینه ۳ صحیح است.

نکات مهم

- نکته:** به طور کلی در کتب اساتید مختلف و مقالات مرتبط، تمایزات حقوق داخلی از حقوق بین‌الملل از قرار ذیل است:
۱. **از نظر مبانی:** هرچند مبناى حقوق به طور کلی، اراده است، اما نوع اراده در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل یکسان نیست. در حالی که مبناى حقوق داخلی، اراده یک کشور است، مبناى حقوق بین‌الملل، اراده چندجانبه کشورهاست.
 ۲. **از نظر منابع:** منابع اصلی حقوق داخلی، قوانین مدون، عرف و عادات و رسوم میان مردم یک جامعه است، ولی منابع اصلی حقوق بین‌الملل، قراردادهای بین‌المللی و عرف‌های پذیرفته شده از سوی کشورهای ذی نفع است.
 ۳. **از نظر موضوع:** در حقوق داخلی ما با اشخاصی طبیعی و حقوق داخلی سروکار داریم ولی در حقوق بین‌الملل کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و بصورت استثناء و اشخاص تابع حقوق بین‌الملل هستند.
 ۴. **از جهت نظام حقوقی:** این تفاوت وجود دارد که حقوق داخلی ناشی از تبعیت است و حقوق بین‌الملل ناشی از همکاری و مشارکت است. یعنی در نظام حقوقی بین‌الملل کشورها فرمانبردار و تابع این حقوق نیستند و کشورها با همکاری و مشارکت این حقوق را به وجود می‌آورند. ولی در داخل ناشی از تبعیت و حاکمیت است.
 ۵. **از جهت پذیرش:** حقوق بین‌الملل و قواعد آن از جهت اینکه در داخل رعایت شود بایستی در پارلمان کشور تصویب شود تا در حکم قانون در آید و فرآیند پذیرش در داخل را طی کند و بعد از آن لازم الاجرا شود.
 ۶. **از نظر شیوه رسیدگی:** در داخل محاکم داخلی داریم و شیوه رسیدگی آنها متفاوت از محاکم بین‌المللی است و دادرسی مربوط به خود را دارد. در حقوق بین‌الملل نیز محاکم بین‌المللی را داریم و آنها نیز شیوه خاص مربوط به رسیدگی دارند. (مانند دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی)

نکته: مثال کاربردی تئوری یگانگی با برتری حقوق بین‌الملل را در **اتحادیه اروپا** می‌توان دید. اتحادیه اروپا در حقیقت مانند یک کشور فدرالی است که قوای سه‌گانه دارد. (پارلمان اروپا/ شورای اروپا/ دادگاه اروپا) به دلیل قبول برتری قوانین اتحادیه اروپا توسط کشورهای عضو، قوانین مصوب پارلمان اروپا باید به مرور وارد قوانین اساسی کشورهای عضو برسد. از کشورهای اتحادیه اروپا ما می‌توانیم به قانون اساسی کشور فرانسه اشاره کنیم که در سال‌های ۲۰۰۸ و ظاهر ۲۰۱۵ بازنگری شده است. (اتحادیه اروپا نهادی شبیه به فدرالیسم یا کنفدرال است/ کنفدرل یا فدرالیسم یعنی وجود دولت‌های متعدد با قبول قوه مرکزی و قانون اساسی واحد بوده که نمونه عملی آن را در آمریکا می‌بینیم که در آن ۵۰ ایالت مستقل وجود دارد؛ البته عملاً ۵۱ ایالت است) و هر یک قوای سه‌گانه خود را عملاً دارند اما از قانون اساسی دولت مرکزی هم تبعیت می‌کنند. یعنی در حین اینکه دارای خودمختاری و استقلال هستند؛ دارای نهادهای فدرالیته نیز می‌باشند و در نهایت در امور مربوط به دولت مرکزی از طریق انتخابات مجلس نمایندگان یا مجلس سنا مشارکت دارند؛ برای همین سه اصل اساسی در کشورهای تابع فدرالیسم عبارت است از: خودمختاری/ فراداشت/ مشارکت) در برخی از کشورها مانند کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا قوانین اتحادیه از قوانین داخلی کشورها و حتی قانون اساسی بالاتر است و به طور نمونه فرانسه در ۲۰۰۸ مجبور شد قانون اساسی خود را مطابق اتحادیه اروپا تغییر دهد. ضمناً به موجب قانون اساسی مصوب سال ۱۹۵۸ فرانسه، معاهدات بر قوانین داخلی اولویت دارند اما دادگاه قانون اساسی از بررسی مشروعیت قانون داخلی طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خودداری کرد و صلاحیت خود را در بررسی قوانین محدود به قانون اساسی دانست. شورای دولتی فرانسه نیز از پذیرش برتری معاهدات بر قوانین داخلی مؤخر تا سال ۱۹۸۹ اجتناب کرد اما بعد از آن پذیرفت که دستورالعمل‌های اتحادیه اقتصادی اروپا اثر مستقیم در حقوق فرانسه دارد. مشابه این وضعیت تا اوایل دهه شصت در دادگاه قانون اساسی و اداری اتریش وجود داشته است.

بر اساس رأی دادگاه قانون اساسی آلمان در سال ۱۹۷۴ دادگاه می‌تواند قوانین اتحادیه را به منظور سازگاری آن با قوانین اساسی آلمان مورد بررسی قرار دهد. قانون اساسی هلند صرفاً معاهدات و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی را بعد از انتشار الزام‌آور دانسته و دیوان عالی از اعمال قواعد عرفی خودداری کرده است.

نکته: از دیدگاه حقوق ایران قوانین بین‌المللی و معاهدات ارزش قوانین عادی را دارند و اضافه بر آن بایستی به تصویب مجلس هم برسد. **بنابراین جایگاه معاهده با قانون برابر است** و دادگاه ایرانی تعارض بین معاهده و قانون داخلی را بر اساس اصول لفظی چون عام و خاص، مطلق و مقید یا تقدم و تأخر، حل خواهد کرد. **(سوال کارشناسی ارشد و دکتری بوده)**

نکته: در **رویه بین‌المللی:** تلاش‌های زیادی جهت ایجاد هماهنگی بین دو نظام صورت می‌گیرد: در **امریکا** در صورت وجود تعبیری دیگر، مصوبه کنگره هرگز نباید به مفهومی تفسیر شود که به نقض حقوق ملت‌ها منتج شود. در **انگلیس** هم در صورت مغایرت، بایستی مصوبه با تعهد بین‌المللی ذی ربط مطابقت داده شده و تعهد بین‌المللی برتری خواهد داشت.

نتیجه نهایی از مونیسم و دوآلیسم: منظور از اینکه کشوری در رویکرد خود به حقوق بین‌الملل از نظریه یگانگی یا دوگانگی استناد می‌کند این است که اگر کشوری خودبه‌خود حقوق بین‌الملل را به‌عنوان بخشی از نظام حقوق داخلی بپذیرد؛ نیازی به تصویب قانونی صریح، توسط مقنن نخواهد داشت (مونیسم) و اگر پیرو دوآلیسم باشد حقوق بین‌الملل هنگامی به‌عنوان بخشی از قانون داخلی قلمداد می‌شود که مصوبه‌ی صریح تقنینی، در مورد آن اتخاذ شده باشد.

نکته مهم: در حقوق ایران **قراردادها و معاهدات بین‌المللی در تعارض با قانون اساسی در جایگاه پایین تری قرار می‌گیرند:**

☆ **اولاً کلیه قراردادها و مصوبات و معاهدات بین‌المللی (به غیر از ساده) بایستی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.**

☆ **ثانیاً: نهایتاً ارزش معاهدات بین‌المللی در حکم قانون عادی است.**

☆ **ثالثاً: قوانین اساسی و شرعی از جایگاه برتری برخوردار هستند.**

☆ **رابعاً: ایران نظریه دوآلیسم را پذیرفته است**

و
و
و
و
و

خودسنجی

سوال دکتری سال ۹۱: دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه خویش را به عنوان قاعده آمره حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار داده است؟

- (۱) منع توسل به زور (۲) منع ژنوسید (۳) حق تعیین سرنوشت (۴) منع آلودگی محیط زیست
گزینه ۳ صحیح است.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۳- چه رابطه‌ای میان قاعده آمره و تعهد عام الشمول وجود دارد؟^۱

- (۱) ماهیت قاعده آمره و تعهد عام الشمول در همه موارد یکی است.
(۲) ماهیت قاعده آمره کاملاً متفاوت از تعهد عام الشمول است.
(۳) هر تعهد عام الشمولی قاعده آمره است اما هر قاعده آمره ای لزوماً تعهد عام الشمول نمی باشد.
(۴) هر قاعده آمره ای تعهد عام الشمول است اما هر تعهد عام الشمولی لزوماً قاعده آمره نمی باشد.
گزینه ۴ صحیح است. رابطه تعهدات عام الشمول و قاعده آمره، عموم و خصوص مطلق است؛ به این صورت که هر قاعده آمره ای تعهد عام الشمول است اما هر تعهد عام الشمولی لزوماً قاعده آمره نمی باشد.

سوال دکتری سال ۹۱: اولین سند حقوقی بین‌المللی که وجود قاعده آمره را شناسایی کرده، کدام است؟

- (۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) (۲) کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات (۱۹۶۹)
(۳) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) (۴) منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)
گزینه ۲ صحیح است.

سؤال دکتری سراسری سال ۱۳۹۰: در حقوق بین‌الملل، قاعده آمره چه وضعیتی دارد؟

- (۱) اساساً مبنایی عرفی دارد (۲) ریشه در نظام‌های حقوقی ملی دارد.
(۳) منبع مستقل حقوق بین‌الملل است. (۴) صرفاً به حوزه جنایات بین‌المللی مربوط می‌شود.
*گزینه الف صحیح است.

سوال شبیه‌ساز: در کدام رای دیوان بین‌المللی دادگستری به تعهدات erga omnes برای اولین بار اشاره شده است؟

- (۱) لوتوس (۲) بارسلونا تراکشن (۳) دیوار حائل (۴) معبد پره آویهار
گزینه ب صحیح است. در سال ۱۹۷۰ دیوان بین‌المللی دادگستری برای اولین بار در قضیه بارسلونا تراکشن دو گونه قواعد را تحت شناسایی قرار داد: الف- تعهداتی که دولت‌ها در مقابل دولتی دیگر می‌پذیرند. ب- تعهداتی که یک دولت در مقابل کل جامعه بین‌المللی به‌عنوان مجری واحد متقبل می‌شود. مسئله اصلی در قضیه بارسلونا تراکشن این بود که آیا دولت متبوع سهامداران یک شرکت (در اینجا بلژیک) دارای حق حمایت سیاسی از سهامداران است؟ دیوان برای پاسخ به این مسئله مباحث زیادی را از رویه دولت‌ها، رویه قبلی خود و حقوق داخلی مطرح کرد. اما دیوان در آغاز طرح مباحث خود، به لزوم دسته‌بندی تعهدات در حقوق بین‌الملل اشاره داشت. این قسمت از رأی جزء مهمترین نظرات دیوان طی دوران فعالیت آن به شمار می‌آید. در اینجا دیوان برای اولین بار به مفهوم تعهدات erga omnes اشاره کرده است.

و
و
و
و
و
و
و
و

۱ - سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۷۸- تعهدات erga omnes (نسبت به همه) چیست؟

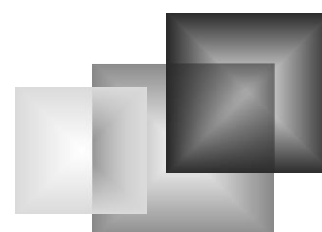
- (۱) تعهدات هر دولت نسبت به کل جامعه بین‌المللی (۲) تعهدات یک دولت نسبت به یک دولت دیگر
(۳) تعهدات یک دولت نسبت به چند دولت (۴) تعهدات دولت‌ها در مقابل یکدیگر
گزینه ۱ صحیح است. این تعهدات را یک دولت نسبت به کل جامعه بین‌المللی دارد و از نوع تعهدات متقابل نیست.

گوشزد: بعد از اینکه درسنامه تخصصی تمام می‌شود ما مجدداً مسائل مهم حقوق بین الملل را به صورت خلاصه وارد آورده ایم اما این بار مطالب، مختصر و مفید و کاربردی و البته به روز آوری شده است. (بیشتر این مطالب از کتب و جزوات اساتید طراح گرفته شده است)

بخش دوم

نکات و متون ساده سازی شده

(خلاصه کتب و جزوات)



نکات و متون ساده سازی شده

و
و
و
و

حقوق دریاها مناطق مختلف دریایی

مناطق مختلف دریایی عبارتند از:

۱- آبهای داخلی

اصطلاح آبهای داخلی صرفاً در بردارنده مناطق آبی داخل قلمرو خشکی یک کشور نیست؛ بلکه کلیه آبهایی است که پشت خط مبدا قرار گرفته‌اند. این تعریف از آبهای داخلی از زمان هیل حقوقدان انگلیسی در قرن هفدهم تا کنون وجود داشته است. آبهای داخلی عبارتند از

آبهای واقع بین سواحل و خط مبدا دریای سرزمینی خلیج‌های کوچک، خورها و مصب رودخانه‌ها خلیج‌های تاریخی بنادر و ننگرگاه‌های واقع در مجاورت ساحلی

طبق بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۲: «آبهای واقع در سمت خشکی خط مبدا دریایی سرزمینی»، آبهای داخلی را تشکیل می‌دهد. حد خارجی آبهای داخلی، حد داخلی دریای سرزمینی است.

در مورد خلیج‌های محصور در سرزمین یک کشور و یا در مورد مصب رودخانه‌ها به جای مبدا عادی می‌توان از خط مبدا مستقیم استفاده کرد. وقتی از خط مبدا مستقیم استفاده می‌شود این خطوط نباید از سمت ساحلی انحراف محسوسی داشته باشند و نیز مناطق دریایی واقع در داخل آن می‌بایست با قلمرو خشکی کشور ساحلی به حد کافی مجاورت و اتصال داشته باشند.

نکته: در صورتی خط مبدا از برآمدگی‌ها ساخته شده باشد؛ بر اساس مقررات کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، هم در دریای سرزمینی و هم در آبهای داخلی حق عبور بی ضرر (Innocent Passage) به نفع کشتی‌های خارجی در نظر گرفته شده باشد.

۲- تعیین حدود آبهای داخلی (Delimitation)

کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت و کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد نحوه حدود آبهای داخلی کشورهای همجوار و یا مقابل، قواعدی را پیش بینی نکرده‌اند؛ لذا براساس شیوه قیاس و طبق ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ و ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ از قواعد مربوط به تعیین حدود دریای سرزمینی برای تعیین حدود آبهای داخلی نیز استفاده می‌شود. برای تعیین حدود آبهای داخلی کشورهای همجوار و یا مقابل، در ابتدا باید توجه کرد که فی ما بین دو کشور توافقی وجود دارد یا خیر، که در غیر این صورت از روی روش «خط منصف» استفاده می‌شود. البته اگر «اوضاع و احوال خاص» هم وجود داشته باشند می‌توان از شیوه‌های دیگر نیز استفاده کرد.

۳- نظام حقوقی آبهای داخلی

دولت ساحلی در منطقه آبهای داخلی که همجوار با قلمرو قاره ای یا قلمرو جزیره ای دولت ساحلی است حاکمیت دائمی دارد، براساس رویه قضایی و حقوق موضوعه، دولت ساحلی بر فضای فوقانی، کف و زیر کف آبهای داخلی نیز حاکمیت دارد. گرچه حاکمیت دولت ساحلی بر آبهای داخلی مطلق است، اما طبق نظر عده ای از حقوقدانان ماهیت اختیارات از نظر اعمال صلاحیت و حاکمیت در این منطقه تا حدودی با قلمرو خشکی متفاوت است به طوری که دولت ساحلی در این منطقه تابع قوانین و مقررات مخصوصی است. در مبحث نظام حقوقی آبهای داخلی باید به دو نکته توجه کرد.

* الف: حق دسترسی به آبهای داخلی؛

* ب: اعمال صلاحیت کشور ساحلی در آبهای داخلی

*الف: حق دسترسی به آبهای داخلی

دولت ساحلی بر آبهای داخلی خویش حاکمیت کامل دارد. اما رویه‌ی بین‌المللی حق دسترسی به بنادر را تا حدودی پذیرفته است:

الف) هر دولتی می‌تواند بر اساس مراودات بین‌المللی، اجازه ورود کشتی‌های خارجی به بنادر خود را بدهد که این اجازه باید از طریق وضع قوانین داخلی و با در نظر گرفتن ملاحظات گمرکی، بهداشتی و ... صورت گیرد.

ب) هر دولتی مجاز است در صورت احساس خطر علیه «تمامیت اراضی، امنیت، نظم عمومی و آسایش شهروندان» خود، بنادرش را بر روی کشتی‌های خارجی ببندد. بنابراین هر کشوری می‌تواند مانع ورود کشتی‌های تجاری به بنادر نیز شود.

ج) هر دولتی می‌تواند شرایط ورود و اقامت کشتی‌های خارجی را تعیین کند.

د) علی‌رغم آزادی دولت‌ها، کشورهای ساحلی می‌بایست حالت فورس ماژور یا وضعیت اضطراری را مد نظر قرار داده و برای حفظ ایمنی کشتی و نجات سرنشینان آن اجازه ورود به بنادر خویش را بدهند.

دعوی باترسون علیه بارک، ادوار (۱۹۰۳) نمونه‌ای از مواردی که دولت‌ها می‌توانند حتی از رضایت ضمنی خویش برای ورود کشتی‌ها صرف نظر کرده و خود شرایط مناسب را تعیین کنند. براساس قواعد عرفی موجود، از نظر حقوقی حق ورود به بنادر وجود ندارد. اما انتظار می‌رود که بنادر تجاری بر روی کشتی‌های تجاری خارجی باز باشند مگر اینکه دلایل معقولی خلاف آن را ایجاد کند. حتی کنوانسیون ژنو راجع به «نظام بین‌المللی بنادر دریایی»: مورخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ هم به چنین اصلی توجه کرده است:

طبق ماده ۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۲۳ راجع به «نظام بین‌المللی بنادر دریایی» حداقل حقوقی که می‌توان برای دیگر کشورها در نظر گرفت ورود و خروج آزادانه کشتی‌های تجاری در بنادر است. بر اساس ماده ۸ همین کنوانسیون، دولت‌هایی که چنین مقرراتی را رعایت نکنند. به طور متقابل از مزایای این اصل حقوقی بهره‌مند نخواهند شد.

حق دسترسی به بنادر هم شامل حق ورود است و هم حق خروج. در مواردی دولت ساحلی می‌تواند از خروج کشتی خارجی جلوگیری کرده و به عبارت دیگر کشتی‌های خارجی مقیم در بنادر خویش را توقیف کند:

✧ **نقض مقررات گمرکی:**

✧ **به جهت وثیقه‌ی امور مدنی و یا اقامه دعوا علیه خود کشتی:**

✧ **فقدان قابلیت در یانوردی کشتی (unseaworthy):**

✧ **جلوگیری از آلودگی محیط زیست.**

حق دسترسی شامل ورود و خروج کشتی‌های خارجی به رودخانه‌های داخلی نمی‌شود و لیکن طبق کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۱ راجع به «رژیم آبراه‌های قابل کشتیرانی بین‌المللی» حق دسترسی به رودخانه‌های بین‌المللی تا حد وسیعی وجود دارد.

*ب: اعمال صلاحیت کشور ساحلی در آبهای داخلی

قاعده اساسی در آبهای داخلی این است که دولت ساحلی در این منطقه حاکمیت کامل دارد و در نتیجه قوانین دولت مزبور نسبت به کشتی‌های خارجی اعمال می‌گردد. علی‌رغم وجود قاعده فوق دولت ساحلی امور داخلی کشتی‌ها را به مقامات دولت صاحب پرچم واگذار می‌کند. حدود صلاحیت کشور ساحلی براساس نوع کشتی (تجاری یا جنگی بودن) معلوم می‌شود.

بند اول: مصونیت‌های ناو جنگی در یک بندر خارجی

ناوها مظهر حاکمیت و استقلال دولت صاحب پرچم هستند و اصل «برون مرزی» همانگونه که نسبت به اماکن دیپلماتیک اعمال می‌شود در مورد ناوهای جنگی هم جاری می‌شود.

مصونیت از توقیف؛

مصونیت از اقدامات انتظامی و گمرکی؛

مصونیت قضایی.

مصونیت‌هایی که یک ناو جنگی در آبهای داخلی دولت ساحلی دارد به معنای آزادی عمل آن نیست؛ بلکه مکلف به اجرای قوانین و مقررات دولت ساحلی است که در صورت نقض دولت ساحلی می‌تواند خواستار خروج ناو جنگی از آبهای داخلی خود شود.

علی‌الاصول در زمان صلح ورود کشتیهای جنگی خارجی به آبهای داخلی دولت ساحلی، *آزاد است* که دولت ساحلی می‌تواند از طریق درخواست اعلام قبلی (Notification prelab) ورود ناوهای جنگی را محدود و یا شرایطی برای ورودشان مقرر کند.

اغلب دولتهایی ساحلی در مقررات خویش شرایطی را برای موارد زیر در نظر می‌گیرند.
تعداد ناوهای جنگی متعلق به یک یا چند کشور که ممکن است در یک زمان وارد بندر شوند؛
مدت زمان اقامت ناوها در بندر و لنگرگاه‌ها؛
تعیین شرایط ورود؛

تعیین بنادر ممنوعه برای ورود ناوهای جنگی؛

اطلاعات مربوط به پرسنل ناو، دستگاه‌های فرستنده و ...

در ایران هم آیین نامه «عبور و اقامت ناوهای جنگی خارجی در بندرها و آبهای ایران» مصوب ۷ شهریور ۱۳۱۳ هیئت وزیران وجود دارد که شرایط ورود ناوهای جنگی را می‌توان از آن استخراج کرد. بر اساس ماده ۲ آیین نامه مذکور در زمان صلح، ناوهای جنگی خارجی می‌توانند در آبهای سرزمینی ایران دریانوردی کنند یا وارد بنادر ایران شوند مشروط بر اینکه:

* **تعداد آنها از دو فرورد تجاوز نکند.**

* **ورود یا عبور آنها حداقل ۸ روز قبل از ورود به اطلاع مقامات سیاسی ایران برسد.**

* **بنادر توقف و مسیر آن می‌بایست مشخص باشد.**

* **ناوها موظفند برگ اطلاعات مورد نیاز مقامات ساحلی را تکمیل کرده و تحویل دهند، که این اطلاعات در این**

زمینه‌هاست: نام و ملیت و نوع ناو، انواع تعداد جنگ افزارها و علت توقف، کیفیت محموله (در صورت موجود بودن).

* **ناوهای جنگی نمی‌توانند بیش از ۷ روز در بنادر و سواحل ایران اقامت کنند. و چنانچه بنا به ضرورت، مقامهای**

محلی، عزیمت ناوها را قبل از انقضای مدت خواستار شوند، ناوهای مذکور موظفند ظرف ۶ ساعت از زمان دریافت

دستور بندر یا لنگرگاه را ترک کنند و از آبهای سرزمین ایران خارج شوند. البته اجرای مقررات فوق همراه با

استثنائاتی نیز هست:

✧ ناوهای جنگی حامل رؤسای دولت‌های خارجی یا اعضای خانواده و ملتزمین آن‌ها یا نمایندگان سیاسی؛

✧ ناوهای جنگی در حال غرق یا در حالت اضطرار (فورس ماژور)؛

✧ ناوهای جنگی که از اجازه مخصوص دولت ایران استفاده می‌کنند.

ماده ۸ آیین نامه ۱۳۱۳ انجام اقدامات زیر از سوی ناوهای بیگانه را ممنوع کرده است:

✧ پیاده کردن قوا به ساحل؛

✧ نقشه برداری؛

✧ اجرایی مانورها؛

✧ تیراندازی و پرتاب اژدر؛

✧ مین گذاری؛

✧ اجرای عملیات زیر دریایی؛

✧ پرواز از عرشه ناوهای هواپیمابر .

نکته: زیردریایی‌های خارجی به هنگام ورود یا خروج از آبها و بندرها می‌بایست همواره بر سطح آب دریانوردی کنند و غواصی بدون اجازه قبلی مقامات ذی صلاح ایرانی ممنوع است .

صلاحیت مدنی: یکی از اصول مسلم حقوق بین‌المللی دریاها این است که کشتی جنگی از قضاوت مدنی دولت ساحلی مصون است و فقط مقامات دولت صاحب پرچم نسبت به رسیدگی به دعاوی مدنی مربوط به ناو جنگی خارجی صلاحیت دارند.

البته در مورد دعاوی مدنی کارکنان کشتی می‌بایست دو حالت متمایز را در نظر گرفت:

* **دعاوی ناشی از خدمات عمومی یا رسمی:** در مورد این نوع دعاوی، فقط دولت صاحب پرچم صلاحیت دارد.

* **دعاوی ناشی از خدمات غیررسمی:** «در مورد این نوع دعاوی، دادگاههای ساحلی صلاحیت دارد. به طوری که متضرر می‌تواند علیه هر

یک از کارکنان یا افسران کشتی جنگی اقامه دعوی کند به شرطی که تعقیب کارکنان یا افسران خللی به کار وارد نسازد»

صلاحیت کیفری: بر اساس قواعد عرفی بین‌المللی و قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۲۸، کشتی جنگی از قضاوت کیفری دولت ساحلی مصون است و دولت مزبور صلاحیت تعقیب و رسیدگی به جرایم داخلی کشتی را ندارد.

اما در مورد جرایم ارتكابی، باید در مورد اعمال صلاحیت نسبت به جرایم ارتكابی در داخل و خارج از کشتی جنگی تفکیک قائل شد:

بند دوم: جرایم ارتكابی داخل کشتی جنگی

جرایم ارتكابی داخل کشتی شامل حالات ذیل می‌شود:

□ **حالت اول:** مجرم از کارکنان کشتی باشد و صلاحیت با دولت صاحب پرچم است حتی اگر مجرم از اتباع دولت ساحلی باشد.

□ **حالت دوم:** مجرم از کارکنان کشتی نباشد، امام مجنی علیه از کارکنان کشتی باشد: صلاحیت با دولت صاحب پرچم است.

□ **حالت سوم:** مجرم و مجنی علیه از کارکنان کشتی نباشند. در این صورت صلاحیت با دولت ساحلی است مشروط بر اینکه مجرم از طرف فرمانده کشتی به مقامات دولت ساحلی تحویل داده شود.

بند سوم: جرایم ارتكابی در خارج از کشتی جنگی

این دسته از جرایم نیز، حالت های مختلفی دارد:

◆ **حالت اول:** جرم ارتكابی در خارج از کشتی مربوط به خدمات عمومی یا رسمی یا دولتی کشتی باشد، صلاحیت با دولت صاحب پرچم است.

◆ **حالت دوم:** جرایم ارتكابی خارج از کشتی در مورد خدمات رسمی یا عمومی نباشد که در این حالت، صلاحیت با دولت ساحلی است. اما رویه کشورها در مورد کیفیت جرایم و نحوه رسیدگی به آنها یکسان نیست. مثلاً ایران مانند اکثر کشورها طبق قوانین داخلی خود ممنوعیت اجرای هرگونه اعدام بر عرشه کشتی‌های مستقر در آبهای داخلی و یا لنگرگاه‌ها را پذیرفته است.

نکته: پلیس محلی به هیچ وجه حق اعمال قدرت در داخل کشتی‌های جنگی را حتی زمانی که صلاحیت رسیدگی با مقامات دولت ساحلی است ندارد.

در مورد مسئله پناهندگی در ناوهای جنگی مقررات صریحی در حقوق قراردادی بین‌المللی وجود ندارد. در مورد پناهندگی به کشتی جنگی مقیم در آبهای داخلی می‌بایست دو مورد را از هم تفکیک کرد:

* اگر پناهنده مرتکب جرم عمومی شده باشد (Criminal de droit Commun) فرمانده ناو، مکلف است بدون کسب تکلیف و با توجه به شرایط زمان و مکان و به ابتکار خویش مجرم را در اختیار مقامات ذی صلاح قرار دهد.

* اگر پناهنده مجرم سیاسی باشد فرمانده عموماً می‌تواند از نظر انسانیت و نوع دوستی از تحویل پناهنده حتی در صورت درخواست استرداد خودداری ورزد.

در صورت خودداری از استرداد مجرمین سیاسی ممکن است روابط سیاسی و دیپلماتیک دولت صاحب پرچم و دولت ساحلی قطع شود. از نظر برخی حقوقدانان دولت ساحلی حق استرداد دارد و در صورت عدم استرداد می‌تواند خواستار خروج کشتی جنگی از آبهای خویش، شود.

بند چهارم: صلاحیت قضایی دولت ساحلی نسبت به کشتیهای تجاری خارجی

فعالیت کشتی تجاری خارجی طبق مقررات دولت صاحب پرچم است، اما به هیچ وجه مشمول اصل برون مرزی نیست و اصولاً تحت صلاحیت کیفری و قضایی دولت ساحلی قرار دارد. اصولاً ورود کشتی‌های تجاری به بنادر دولت ساحلی جز در موارد استثنایی همچون: حفظ نظم عمومی و اجرای مقررات بهداشتی غیره آزاد است. کنوانسیون ژنو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ در مورد «نظام بین‌المللی بنادر دریایی» اصل آزادی کشتیرانی برای کشتی‌های تجاری در آبهای داخلی سایر دولت‌ها را به رسمیت شناخته است. علی‌رغم اینکه کشتی‌های تجاری خارجی تحت صلاحیت دولت ساحلی هستند رویه کشورها در این مورد متفاوت است که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

صلاحیت محلی: بر اساس رویه بین‌المللی صلاحیت رسیدگی که در مورد دعاوی افرادی که جزء کارکنان کشتی هستند و دعاوی اشخاص ثالث متفاوت است. اگر میان کارکنان کشتی اختلاف مدنی حاصل شود، صلاحیت رسیدگی با دولت ساحلی است. اگر اختلاف مدنی مربوط به اشخاص ثالث به عبارت دیگر غیر از کارکنان کشتی تجاری باشد سه حالت باید از هم تفکیک شوند:

* **حالت اول:** دعاوی ناشی از تصادم کشتی‌های خارجی دارای تابعیت های مختلف که در این حالت صلاحیت رسیدگی با دولت ساحلی است.

* **حالت دوم:** دعاوی ناشی از تصادم کشتیهای خارجی دارای تابعیت واحد که صلاحیت رسیدگی با دولت صاحب پرچم است.

* **حالت سوم:** دعاوی میان ناخدا و کارکنان کشتی و افراد بیگانه در کشتی که طبق قطعنامه استکهلم مورخ ۱۹۲۸ هم دولت صاحب پرچم و هم دولت ساحلی صلاحیت رسیدگی دارند.

نکته: دولت ساحلی صلاحیت تعقیب رسیدگی به جرایم ارتکاب شده در کشتی خصوصی خارجی را دارد به شرط اینکه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در مورد آن رعایت شده باشد. علی‌رغم پذیرفتن صلاحیت کیفری دولت ساحلی نسبت به کشتی‌های تجاری خارجی نظریات متفاوتی در این مورد بیان شده به طوری که می‌توان رویه دولت‌ها را به سیستم‌های مختلف تقسیم کرد:

✱ سیستم فرانسه

✱ سیستم انگلستان

طبق سیستم فرانسه، قوانین داخلی دولت ساحلی هستند که حدود صلاحیت دولت ساحلی و دولت صاحب پرچم را مشخص می‌کنند. به طوری که تمام اموری که تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر منافع دولت ساحلی دارد، تحت صلاحیت محاکم محلی است. حتی در مورد جرایمی که در کشتی واقع می‌شود نیز در صورتی که علیه اشخاص خارج از کارکنان کشتی باشد صلاحیت با دولت ساحلی است. براساس سیستم انگلستان، دولت ساحلی در مورد جرایم ارتکابی در کشتی‌های خارجی صلاحیت انحصاری دارد، اما طبق اوضاع و احوال صلاحیت خویش را اعمال می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر نماینده دولت صاحب پرچم یا هر شخص ذی نفع دیگری تقاضای مساعدت کند و یا نظم و آرامش بندر در معرض خطر قرار بگیرد می‌تواند صلاحیت خویش را اجرا کند. در سیستم انگلستان دولت ساحلی ابتدا تشخیص می‌دهد که مداخله ضرورت دارد یا خیر و آنگاه تصمیم به اجرای صلاحیت خویش می‌گیرد.

علی‌رغم اختلافات این دو سیستم می‌توان موارد مشابهی را هم میان آن یافت:

✓ طبق هر دو سیستم اگر جرم واقع شده به نظم و آرامش عمومی دولت ساحلی خللی وارد سازد و یا اعمال صلاحیت دولت ساحلی کارساز باشد، دولت ساحلی دخالت می‌کند، مثلاً از نظر هر دو سیستم جرم آدمکشی آنچنان شدید است که می‌بایست دولت ساحلی صلاحیت خویش را اعمال کند.

✓ در صورت درخواست فرمانده کشتی یا کنسول دولت صاحب پرچم، دولت ساحلی می‌تواند مداخله کند.

✓ اگر در اختلاف واقع شده شخصی غیر از خدمه کشتی درگیر باشد دولت ساحلی می‌تواند مداخله کند.

✓ دولت ساحلی می‌تواند به منظور اجرای مقررات دریایی خویش مانند اجرای مقررات آلودگی و دریانوردی و غیره اعمال صلاحیت کند.

در مورد اجرای صلاحیت دولت ساحلی ایران طبق توافقنامه کشتیرانی تجاری دریایی میان ایران و بلغارستان مصوب ۷۲/۶/۲۵ می‌توان نکات زیر را استخراج نمود:

مقامات صلاحیت دار هر یک از طرفین نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که بر روی عرشه کشتی تحت پرچم طرف متعاقد دیگر به هنگام توقف در بندر روی می‌دهد اعمال صلاحیت کند مگر در موارد زیر:

(الف) به موجب درخواست نماینده دیپلماتیک یا کنسولگری طرف متعاقد دیگر یا با دارا بودن موافقت آن.

(ب) زمانی که برای جرم ارتکابی در قوانین داخلی کشور متعهدی که کشتی در بندر آن توقف کرده است، مجازات کیفری بیش از ۵ سال حبس پیش‌بینی شده است.

(ج) زمانی که جرم و آثارش نظم عمومی را در ساحل یا بندر به مخاطره اندازد یا امنیت عمومی (ملی) را تحت تأثیر قرار دهد.

(د) هنگامی که افراد خارج از خدمه کشتی در جرم مزبور دخالت کنند یا جرم توسط اتباع دولت پذیرنده یا علیه آن‌ها صورت گرفته باشد.

نکته: کشورهای همجوار خلیج فارس به دلیل اینکه عریض ترین نقطه خلیج فارس از ۱۹۰ مایل دریایی تجاوز نمی‌کند نمی‌توانند از ۲۰۰ مایل در مورد فلات قاره استفاده کنند. کشورهای همجوار اقیانوس ها مثل امریکا می‌توانند از عرض ۲۰۰ مایل برای فلات قاره بهره ببرند.

نکته: انگیزه اصلی کشورهای ساحلی برای تغییر قواعد حقوق دریاها عدم توسعه اقتصادی است.

به دلیل تأثیر زیاد مسائل اقتصادی در حقوق دریاها موضوع «نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های دریایی» نسبت به موضع «نظام حقوقی حاکم بر فضاهای دریایی» از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. تلاش روز افزون کشورهای در حال توسعه برای برپایی کنفرانس‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای مبارزه با سلطه تکنولوژیک قدرت‌های اروپایی و برای از بین بردن نابرابری در امر بهره برداری دریایی؛ ایجاد منطقه دریای سرزمینی به منظور حفظ و حراست از حریم سرزمینی کشورها بوده است.

در گذشته معیار تعیین عرض دریای سرزمینی «برد توپخانه‌ها» بوده که برابر با ۳ مایل دریایی بوده، اما در اثر پیشرفت تکنولوژی نظامی این معیار دیگر مناسب نبوده در نتیجه دولت‌های ساحلی از جمله دولت‌های آمریکایی لاتین خواهان گسترش آن تا ۲۰۰ مایل دریایی شدند. به تعبیر هانری لابروس: قلمرو دریایی و اقیانوس از پدیده «تحلیل قدرت» پیروی می‌کنند؛ به طوری که برخلاف قلمرو خشکی حضور یک قدرت دریایی در این مناطق جلب توجه نمی‌کند. بدین ترتیب قدرت‌های دریایی قادر خواهند بود سلطه و حاکمیت خویش را بر دریاها تثبیت کنند. طی اعلامیه‌ای در سال ۱۹۷۰ تعدادی از دولت‌ها (از جمله دولت‌های حوزه ی هند)، این اقیانوس‌ها را «منطقه صلح» نامیدند و برای مقابله با این سلطه دریایی هرگونه استفاده نظامی و هسته‌ای از آن را ممنوع اعلام کردند. با تصویب قطعنامه ۲۸۳۲ در سال ۱۹۷۱

این خواسته دولت‌های حوزه اقیانوس هند توسط مجمع عمومی سازمان ملل تایید شد و اقیانوس مزبور همراه با کف و زیر کف و فضای فوقانی آن «منطقه صلح» اعلام شد. این نمونه ای از تلاش دولت‌ها در بیان اهمیت نظامی و استراتژیک دریاهاست.

توسعه صلاحیت های دولت ساحلی

توسعه صلاحیت های دولت ساحلی تلاش برای جبران وضعیت نامساعد جغرافیایی و اقتصادی آنهاست. در واقع می‌توان گفت که آنها به دنبال حقوق ویژه ای در مناطق دریایی همجوار ساحل خود هستند. به دنبال تاکید کشورها برای توسعه صلاحیت های دریایی خویش در دهه ۱۹۵۰ دو نوع منطقه گرایبی ایجاد شد.

الف: منطقه گرایبی آمریکای لاتین

ب: منطقه گرایبی آسیایی - آفریقایی

الف) منطقه گرایبی آمریکای لاتین

با وجود اعلامیه سانتیاگو در سال ۱۹۵۲ توسط شیلی، پرو و اکوادور در مورد مسائل دریایی، منطقه گرایبی آمریکای لاتین بر پایه ۲ اصلی ایجاد شد:

۱- شناسایی پیوند و پیوستگی طبیعی بین خشکی و دریا از جانب کشورهای منطقه

۲- اولویت بخشی به معیارهای اجتماعی و اقتصادی در جهت حفظ و حمایت دریایی

صدر اعلامیه سانتیاگو (۱۹۵۲) و بعد از آن اعلامیه لیما (۱۹۵۴) به دنبال اعلامیه ترومن (۱۹۴۵) رئیس جمهور اسبق آمریکا، در زمینه حاکمیت آن کشور بر فلات قاره همجوار قلمرو سرزمینی بوده اند. حاکمیت کشورهای آمریکای لاتین بر دریای سرزمین همجوار خود، طبق اعلامیه سانتیاگو ۲۰۰ مایل دریایی بوده که این اعلامیه علاوه بر تأکید بر حفاظت از کف و زیر کف دریا بهره برداری از این منابع را به کشورهای ساحلی اختصاص داده است. در اعلامیه لیما (۱۹۵۴) کشورهای آمریکایی لاتین حقوقی را که اعلامیه سانتیاگو برای خود در نظر گرفته بودند تأیید و تقویت کرده و «حق عبور بی ضرر» را در آن منطقه قویاً مورد تأکید قرار دادند. به خاطر چنین عملکردی از جانب کشورهای آمریکای لاتین می‌توان گفت آن‌ها «حقوق واقعی با خصلت های منطقه ای را ایجاد کرده‌اند که این مواضع عملاً گرایش منطقه گرایبی» را در حقوق بین‌الملل تقویت کرده است. در چهارچوبی مواضع کشورهای آمریکای لاتین، منطقه گرایبی به دو شکل زیر ظهور می‌یابد:

۱- دریای موروثی (La mer Patrimoniale)

۲- دریای مشترک (La mer Matrimoniale)

مفهوم دریای موروثی (Patrimonial Sea): برای اولین بار در اعلامیه سنت دومینگ (Saint Domingue) جامائیکا بکار برده شد. قصد دولت‌های عضو از شناسایی این مفهوم، گسترش صلاحیت و نظارت دولت ساحلی بر منابع موجود در منطقه تا ۲۰۰ مایل دریایی بوده به طوری که از «حقوق حاکمه» بر منابع آن منطقه و نه بر روی آن منطقه برخوردار خواهند بود. همانطوری که از عنوان دریای موروثی استفاده می‌شود، منظور به **ارث بردن منابع اقتصادی** موجود در منطقه از سوی دولت‌های همجوار یک دریایی موروثی است. طبق این اعلامیه حق حاکمیت دولت‌های همجوار دریایی موروثی به هیچ وجه آزادی کشتیرانی و پرواز را به مخاطره نمی‌اندازد. منافع کشورهای دارای وضعیت جغرافیایی نامساعد بر اساس مفاد اعلامیه سنت دومینگ تأمین نمی‌شود، در نتیجه آنها مفهوم «دریایی موروثی» را به زیر سؤال برده و مفهوم «دریای مشترک» را مطرح کردند. براساس مفهوم دریای مشترک منافع موجود در یک فضای دریایی می‌بایست به تمام کشورهای همجوار تعلق گیرد و به صورت مشترک اداره شوند. به عبارتی در حکم یک شیء لاینفک تلقی می‌شود. طرح این مفهوم برای جبران وضعیت نامساعد جغرافیایی کشورها بوده که براساس دو اصلی شکل گرفته:

از نظر حقوقی تأکیدی است بر روی حاکمیت مشترک کشورهای همجوار

از نظر اقتصادی توجیهی است برای ایجاد سازمانی جهت اداره منطقه

به دنبال این اصول، مفهوم دریایی موروثی دریای مشترک، از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ زیرا در مفهوم اولی حاکمیت کشورهای همجوار بر مبنای موجود در قلمرو مستقل است نه به صورت مشترک و مشاع

ب) منطقه گرایبی آسیایی و آفریقایی

گرایش منطقه گرایبی کمی قبل از اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۵) توسعه یافت. چنین گرایشی در میان کشورهای آسیایی و آفریقایی به دنبال ایجاد سازمان هایی چون سازمان وحدت آفریقا و جنبش عدن تعهد یافت. رویکرد کشورهای آسیایی و آفریقایی در مورد تعیین عرض دریای سرزمینی رویکردی بینابین میان مواضع افراطی کشورهای آمریکای لاتین (خواهان ۲۰۰ مایل دریایی) و مواضع در قضیه تنگه کورفو (۱۹۴۹) که دعوایی میان انگلستان و آلبانی بود. دیوان رأی داد که حق عبور بی ضرر در مورد تنگه های بین‌المللی که ۲ دریای آزاد را به هم وصل می‌کند اعمال می‌شود. با ورود قاعده عرفی حق عبور به مجموعه قواعد موضوعه بین‌المللی تعدادی از کشورها با آن مخالفت کردند؛ زیرا به موجب کنوانسیون ۱۹۵۸ این حق در مورد تنگه های بین‌المللی که یک دریای آزاد را با بخش دیگری از آن و یا با دریای سرزمینی یک کشور پیوند می‌دهند، غیر قابل تعلیق است، اما دولت ساحلی می‌تواند موقتاً این حق را در مناطق مخصوصی

از دریای سرزمینی مشروط بر اینکه برای امنیت آن کشور ضروری باشد به حالت تعلیق درآورد؛ غیر قابل تعلیق بودن حق عبور در تنگه های بین‌المللی که دریای آزاد را به دریای سرزمینی وصل می‌کنند.

قابل تعلیق بودن حق عبور در مناطقی از دریای سرزمینی در موارد اضطراری

این دوگانگی در رژیم عبور بی ضرر در دریای سرزمینی مورد اعتراض کشورهای ساحلی از جمله ایران و عمان که همجوار تنگه هرمز هستند، قرار گرفت. حتی قدرت های بزرگ دریایی هم به خاطر اینکه این حق آزادی عملشان را محدود می‌کند. با آن مخالفت می‌کردند.

الف/۱: مفهوم عبور

عبور دارای مقاصد زیر است:

منظور از عبور دریانوردی از دریای سرزمینی به مقاصد دیگر است. گذر از دریایی سرزمینی بدون ورود به آبهای داخلی یا توقف در اسکله ها یا تاسیسات بندری خارج از آبهای داخلی و عزیمت به سوی آبهای داخلی از آن ها یا توقف در اسکله ها یا تاسیسات بندری؛ پیوسته و سریع بودن عبور، اما در موارد فورس ماژور و بروز حالت اضطراری و نیز برای کمک به افراد کشتی ها و هواپیماهای در معرض خطر شامل توقف و لنگر انداختن هم می‌شود.

الف/۲: مفهوم عبور بی ضرر

کنوانسیون ۱۹۵۸ در مورد دریای سرزمینی عبوری را بی ضرر می‌داند که مخل آرامش نظم یا امنیت دریای سرزمینی نباشد.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶ – مناسب ترین معیار برای تشخیص مضر بودن عبور کشتی خارجی از دریای سرزمینی یک کشور،

کدام است؟

- | | |
|-----------------|-----------------|
| (۱) مقصد کشتی | (۲) مبدأ کشتی |
| (۳) عملکرد کشتی | (۴) محموله کشتی |
- گزینه ۳ صحیح است.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶ – آیا عرض دریای سرزمینی بیش از ۱۲ مایل، پذیرفته شده است؟

- (۱) خیر، زیرا خلاف حقوق بین‌الملل عرفی است.
- (۲) بله، تنها در مناسبات میان کشورهای پذیرنده
- (۳) بله، تنها با انعقاد معاهدات خاص امکان پذیر است.
- (۴) خیر، زیرا این خلاف کنوانسیون حقوق دریاها است.

گزینه ۲ صحیح است. مطابق ماده ۳ کنوانسیون حقوق دریاها، عرض دریای سرزمینی ۱۲ مایل است؛ اما در مناسبات میان کشورهای پذیرنده عرض دریایی بیشتر نیز پذیرفته است.

و
و
و
و

بخش سوم

نکات طلایی



۱) نظریه ولادت مطهر (در جانشینی دولت‌ها): دولت تازه استقلال یافته بدون هر نوع تعهداتی وارد حیات بین‌الملل می‌شود و در انتخاب

تعهدات کاملاً آزاد می‌باشد؛ بنابراین ملزم به رعایت تعهداتی که قدرت سابق بر آن سرزمین بوجود آورده است؛ نمی‌باشد. **(شارل روسو)**

۲) قضیه آلاباما: بین امریکا و انگلستان در ۱۹۸۲ در مورد جزیره پالمار صادر شد و این رای در ملک تملک سرزمین می‌باشد.

۳) موافقت نامه های نزاکتی: این قراردادها صرفاً جنبه اخلاقی داشته و فاقد آثار حقوقی لازم الاجراست. این گونه قراردادها که بیشتر از

رویه کشورهای انگلوساکسون اقتباس شده بیشتر دارای خصوصیت سیاسی بوده و معمولاً بر طبق آن، مقامات دو یا چند کشور تصمیم خود را مبنی بر تعقیب خط مشی سیاسی معینی اعلام می‌دارند، بدون آنکه برای آنها ایجاد تعهد حقوقی کرده باشند؛ مانند منشور آتلانتیک شمالی

۴) قراردادهای ساده یا اجرایی: این گونه قراردادها تنها با امضای روسای کشورها (عموماً رئیس جمهور) یا وزرای امور خارجه و حتی با

امضای ماموران سیاسی طرفین، قابلیت اجرا پیدا می‌کند. این گونه اسناد با مذاکره و امضای فوری حین مذاکره رسمیت می‌یابند: **(مبادله اسناد، مبادله یادداشت، مبادله اعلامیه)** این قراردادها نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی در ایران ندارد.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶ - در ایران، توافق دولت با سایر دولت‌ها در زمینه نحوه صدور یا لغو ویزا (روادید)، چه نوع توافق حقوقی است؟

۱) دیپلماتیک است و نیاز به تصویب مجلس دارد.

۲) تشریفاتی است و نیاز به تصویب مجلس دارد.

۳) تشریفاتی است و ولی نیاز به تصویب مجلس ندارد.

۴) ساده است و نیاز به تصویب مجلس ندارد.

پاسخ تشریحی: این نوع توافق به دلیل اینکه مربوط به وظایف دولت بوده نیازی به تصویب مجلس ندارد. اضافه بر اینکه این نوع توافقات جزء توافقات ساده محسوب می‌شود. همچنین می‌توان به ماده ۱۵ آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی اشاره کرد.^۱ گزینه ۴ صحیح است.

۵) پاراف: امضای موقت؛ یعنی موقتاً امضا می‌شود تا تایید مقامات را بگیرد. از نظر **حقوقی** تعهدی ایجاد نمی‌کند اما از لحاظ **سیاسی** دارای عواقبی است.

۶) تفسیر در معاهدات: استفاده از وسایل تکمیلی تفسیر شامل کارهای مقدماتی مربوط به معاهده و اوضاع و احوالی که در آن معاهده

منعقد شده مجاز است، در صورتی که به منظور تایید معنای ناشی از اطلاق ماده ۳۱ (کنوانسیون حقوق معاهدات - وین ۱۹۶۹) و یا به منظور معلوم ساختن معنا باشد در مواردی که تفسیر معاهده به موجب ماده ۳۱:

▼ معنایی گنگ و نامفهوم بدهد.

▼ منجر به نتیجه ای شود که آشکارا بی معنا و نامعقول باشد.

سوال دکتری سال ۹۹ - کدام یک از موارد زیر جزء وسایل تکمیلی تفسیر می‌باشد؟

۱) سیاق کلمات

۲) معنای خاص کلمات

۳) توافق‌های بعدی طرف‌های معاهده

۴) اوضاع و احوال مربوط به انعقاد معاهده

گزینه ۴ صحیح است.

و
و
و
و
و

^۱ - ماده ۱۵ - در مواردی که موضوع توافق حقوقی ساده‌مرتبط با وظایف و اختیارات چند دستگاه دولتی باشد، تهیه و تنظیم و امضای توافق با دستگاهی است که مسئولیت اصلی را در مذاکره و امضای توافق بر عهده‌دارد. دستگاه مزبور موظف است هماهنگی لازم را قبل از امضا با دیگر دستگاه‌های ذیربط، به عمل آورد. در صورت بروز اختلاف، اتخاذ تصمیم با هیأت وزیران خواهد بود.

و

و

و

بخش چهارم

تحلیل مسائل روز حقوق بین الملل

اقدام تروریستی آمریکا در شهادت قاسم سلیمانی^۱ از دیدگاه قواعد حقوق بین‌الملل

هیچ توجیه حقوقی نمی‌توان برای جنایت علیه شهید سپهبد قاسم سلیمانی از سوی آمریکا را مشروع دانست؛^۲ چون موازین مختلف حقوق بین‌الملل اجازه نمی‌دهد یک کشور بر اساس مصوبات داخلی خود، در خاک کشور ثالث، مهمان رسمی دولت دیگری را مورد هدف حملات مرگبار قرار دهد.^۳

جنبه‌های گوناگون این حادثه در چارچوب حقوق بین‌الملل به این شرح است:

مداخله در پرتو ممنوعیت و محدودیت‌های توسل به زور: شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان رکن صالح برای اقدامات جمعی، پس از احراز ضرورت مداخله بشردوستانه به دلایلی چون محرز شدن تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل و یا نقض‌های شدید و گسترده حقوق بشر بر مبنای مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد تشخیص می‌دهد که ضمن احترام به حاکمیت داخلی دولت‌ها و با رعایت موازین حقوق بشر دوستانه و البته اصول تناسب و ضرورت، قطعنامه‌ای برای انجام عملیات ذیل فصل هفتم خود صادر کند. منشور ملل متحد با تقویت مشی معاهده لوکارنو و نیز پیمان بریان - کلوگ مبنی بر منع مطلق توسل به زور، سه استثنا را در این رابطه شناسایی کرده است:

(۱) اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی (ماده ۴۳)

(۲) دفاع مشروع (ماده ۵۱)

(۳) رضایت بر تهدید و کاربرد زور در قلمرو دولت

بنابراین حمله نیروهای آمریکایی در چارچوب هیچ‌کدام از استثنائات ذکر شده قرار نمی‌گیرد. اقدام اخیر آمریکا به روشنی در تضاد با دو اصل منشور یعنی منع توسل به زور و نیز اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها قرار می‌گیرد؛ شایان ذکر است که حمله مسلحانه به مسئولین و دولتمردان یک کشور در زمره حمله به حاکمیت آن کشور تلقی می‌گردد؛ خواه این افراد نظامی باشند یا غیر نظامی.

رضایت مند بودن مداخله: بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «هیچ‌یک از مقررات منشور، اعضا را ملزم نمی‌کند اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است را تابع مقررات این منشور قرار دهند.» به بیانی دیگر این ماده می‌خواهد بگوید که اگر دولتی از دولت دیگر درخواست یاری کند یا اجازه استفاده از زور در قلمرو و مرزهایش را بدهد، برخلاف ماده فوق نبوده و مجاز است. دیوان بین‌المللی دادگستری هم در قضیه نیکاراگوئه بیان داشته است که پرواز هواپیماهای آمریکایی بر فضای نیکاراگوئه بدون رضایت آن کشور، نقض تعهدات حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد شده است. در همین راستا دولت عراق در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی از بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و تعدادی دیگری از قدرت‌های غربی، یاری و حمایت نظامی درخواست کرد. در واقع در اعلامیه بسیاری از دولت‌های مداخله‌کننده در ائتلاف صراحتاً به جواز مداخله و درخواست کمک اشاره شده بود. این جواز مداخله و توسل به زور تنها برای مبارزه با داعش بوده و هرگز برای حمله هوایی علیه نیروهای شبه نظامی که بر اساس مصوبه مجلس عراق ذیل نیروهای رسمی و دفاعی آن کشور محسوب می‌شوند و نقشی بی‌بدیل در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی داشته‌اند، توجیهی مشروع تلقی نمی‌گردد. این نوع حملات را تنها می‌توان ذیل عنوان «اعدام‌های خودسرانه» و همچنین «قتل‌های هدفمند» بررسی کرد. (تئوری «قتل هدفمند» که سال‌هاست از سوی رژیم اسرائیل در توجیه ترور فرماندهان مقاومت اسلامی در نوار غزه، سوریه و لبنان به کار گرفته می‌شود از منظر حقوق بین‌الملل هیچ محلی از اعراب نداشته و بارها از سوی گزارشگران حقوق بشر و حقوقدانان بین‌المللی مورد سرزنش و منع قرار گرفته است.)

در همین راستا می‌توان به گفتار هوشیار زیباری وزیر خارجه اسبق عراق در نشست سازمان همکاری اسلامی (۱۲ اوت ۲۰۰۴) اشاره کرد که بیان داشته بود: «عراق به‌طور رسمی از آمریکا برای انجام حملات هوایی به مراکز داعش درخواست کمک کرده است.» بنابراین از منظر حقوقی، بمباران هوایی در قلمرو عراق صرفاً محدود به مراکز داعش بوده و لاغیر. از دیگر سو می‌توان در این مورد به اظهارنظر نخست‌وزیر مستعفی عراق هم اشاره داشت و البته این اظهارنظر می‌بایست با شکایت به سازمان ملل متحد نیز همراه گردد تا شائبه هر گونه رضایت ضمنی را از میان بردارد. عادل عبدالمهدی در بیانیه‌ای ضمن درخواست برگزاری نشست فوری مجلس، اقدام آمریکا را نقض توافقنامه این کشور با عراق دانست. به نوشته وبگاه السومریه، در این بیانیه آمده است: به شدت و در بالاترین حد خود اقدام دولت آمریکا در ترور شهید حاج

^۱ - جمعه شب ۱۳ دی ماه ۹۸ و در پی حمله پهبادی نیروهای آمریکایی به نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد در عراق، سردار سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به همراه ابومهدی المهندس معاون تشکیلات حشد شعبی و هشت تن دیگر از همراهان (چهار تن عراقی و چهار تن ایرانی) به شهادت رسیدند.

^۲ - از نظر حقوق آمریکا، قانون اساسی این اختیار را تا حدودی به رییس جمهور ایالات متحده می‌دهد که حتی نسبت به اعلام جنگ اختیار انحصاری داشته باشد. صرفاً با توجه به اینکه ممکن است اقدام رئیس جمهور آمریکا آثار امنیتی یا تبعاتی برای منافع آمریکا در سراسر جهان داشته باشد ناگزیر است رئیس جمهور آمریکا توضیحاتی در اختیار کنگره قرار دهد که این کار بر اساس اطلاعات و اخبار موجود انجام گرفته است.

^۳ - گفتگوی دکتر امیر ساعد وکیل، متخصص حقوق بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشگاه تهران در مصاحبه با خبرآنلاین / کد خبر ۱۳۳۸۵۷۵

ابومهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی و دیگر شخصیت‌های عراقی و ایرانی را محکوم می‌کنیم. ترور فرمانده نظامی عراقی که منصب رسمی داشت، تجاوز به عراق محسوب می‌شود؛ همچنین اقدام به ترور فرماندهان کشور برادر در خاک عراق، نقض آشکار حاکمیت عراق است.

دکترین رضایت ضمنی: مداخله نظامی بر اساس رضایت ضمنی در قلمرو سرزمینی یک دولت در جامعه بین‌المللی و در چارچوب حقوق بین‌الملل بسیار مناقشه برانگیز است؛ زیرا نظریه رضایت ضمنی در حقوق بین‌الملل شناسایی نشده است. موافقت‌نامه امنیتی عراق و ایالات متحده تحت عنوان اعلامیه اصول همکاری و دوستی بلندمدت در همین راستا قابل ذکر است. اصولاً قواعد حقوق بین‌الملل نسبت به مقوله «کشتن» رویکردی سلبی داشته و تا جای ممکن تفاسیر موجود مضیق هستند. بر همین اساس هدف قرار دادن نیروهای نظامی تنها در حین مخاصمات مسلحانه (جنگ) مجاز بوده و به هنگام صلح هیچ مجوزی برای این منظور نمی‌توان صادر کرد. (تنها با مجوز شورای امنیت و یا در قالب دفاع مشروع). غیر این موارد سلب حیات از افراد در حیطه حقوق داخلی کشورها و با رعایت شروطی چون دادرسی عادلانه شدن است. روابط بین ایران و ایالات متحده آمریکا با وجود سردی و تخاصم در گفتار یا رفتارها هرگز به آستانه‌ای که در حقوق بین‌الملل برای جنگ تعرف شده قرار نگرفته است. در واقع مابین ایران و آمریکا حالت صلح برقرار است. (مواردی چون جنگ اقتصادی، جنگ سرد، قطعی روابط، بیانات و اعلامیه‌های تند طرفین هرگز از دید حقوق بین‌الملل به‌عنوان حالت جنگی قابل شناسایی نیست). بنابراین با توجه به تأکیدات منشور و نیز رویه سخت‌گیرانه دیوان بین‌المللی دادگستری در لزوم محدود کردن کاربرد توسل به زور و رعایت حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها، مداخله نیروهای آمریکایی و هدف قرار دادن نیروهای حشد شعبی و سردار قاسم سلیمانی بدون مجوز شورای امنیت و رضایت صریح دولت عراق بوده و هیچ مبنای قانونی یا عرفی ندارد.

لزوم احترام به حاکمیت داخلی دولت‌ها: بر اساس ماده ۱ منشور ملل متحد، یکی از اهداف اصلی ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در راستای اجرای این تعهد، کشورها مکلف به تحقق اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف کردن هرگونه عمل تجاوزکارانه یا سایر امور ناقض صلح می‌باشند. همچنین بر مبنای اصل منع توسل به زور علیه تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی و حاکمیت، کشورها متعهد شده‌اند از توسل به زور و دخالت در امور داخلی همدیگر اجتناب ورزند. بر این اساس اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قرار دادن چندین باره نیروهای حشد شعبی ضمن نقض حاکمیت عراق و بالاتر از آن، نقض اصول اساسی منع سلب حیات بدون دلیل و نامشروع (به‌عنوان قواعدی آمره)، همان‌طور که پیش‌تر هم بیان شد نقض حاکمیت ایران نیز تلقی می‌گردد. فرماندهان نظامی رده بالا در هر کشور ثالثی که باشند، نمادی از حاکمیت کشور فرستنده تلقی شده و می‌بایست مصون از هرگونه تعرضی قرار گیرند. بررسی رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز این مهم را به اثبات می‌رساند که اصل احترام به حاکمیت سرزمینی دولت‌ها خدشه‌ناپذیر بوده و تنها در جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌توان (آن هم به صورت موقت) محدودیت‌هایی در این راستا اعمال کرد.

از منظر دفاع مشروع: بر اساس این اصل هر زمان که یک دولت در معرض تجاوز نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی قرار گیرد می‌تواند جهت دفع تجاوز به اقدام نظامی متناسب متوسل شود. در این راستا آیا می‌توان تجمع اطراف سفارت یک کشور را به منزله تهاجم نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی علیه آمریکا قلمداد کرد؟ مسلماً چنین دیدگاهی با تعریف عرفی و نیز کلاسیک از دفاع مشروع هم‌خوانی نخواهد داشت. از سویی دیگر بیانات ضد و نقیض مقامات آمریکایی خود گواهی است بر اینکه این ترور از پیش برنامه‌ریزی شده بود و هیچ حمله قریب‌الوقوعی در کار نبوده. از جمله توییت ترامپ: «(سردار) قاسم سلیمانی هزاران سرباز آمریکایی را در دوره زمانی بلندی کشته یا شدیداً مجروح ساخته و برای کشتن شمار بیشتری نیز توطئه می‌کرده است»

بنابراین حتی دکترین دفاع پیش‌گیرانه نیز نمی‌تواند مورد وثوق قرار گیرد، ضمن آنکه دکترین مذکور هیچ‌وقت مورد پذیرش اکثریت حقوقدانان بین‌المللی قرار نگرفته است. حمله ایالات متحده به همراه دیگر هم‌پیمانان با توجیه دفاع پیش‌گیرانه در سال ۲۰۰۳ به عراق مغایر با منشور ملل متحد، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در تعریف دفاع مشروع و اصول عام حقوق بین‌الملل بوده است.

ممکن است آمریکایی‌ها مدعی باشند که اقدامات حشد شعبی تهدیدی امنیتی علیه منافع آنان در منطقه و سرزمین عراق خواهد بود و مجبور به دفاعی پیش‌دستانه بوده‌اند. در پاسخ به این توجیه می‌بایست بیان داشت که موازین اجرا و اعمال حق دفاع مشروع به خوبی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین تفاسیر موجود از ماده ۱۱ منشور ملل متحد موجود بوده که همگی متفق‌القول بر وجود حمله اولیه خارجی اعم از عینی یا قریب‌الوقوع (حمله مسلحانه فوری و قریب‌الوقوع)، تحقق آستانه اقدامات نظامی موجد شکل‌گیری مفهوم حمله مسلحانه، انتساب حمله تهاجمی به یک دولت، دولت بودن طرف مقابل، انجام واکنش از سوی دولت مورد هجوم یا دولت‌های دیگری که مخاطب طلب یاری دولت مورد هجوم بوده‌اند، ضرورت و تناسب در دفاع، رعایت موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، الزام گزارش‌دهی مدافع به شورای امنیت حکایت دارند.

بنابراین به روشنی دیده می‌شود که اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قرار دادن حشد شعبی و سردار سلیمانی هرگز نمی‌تواند در حیطه ماده ۵۱ منشور ملل متحد جای گیرد. باید توجه داشت در هر شرایطی وقوع حمله نظامی، شرط اساسی و اصلی دفاع مشروع است. پس هرگونه حمله پیش‌گیرانه در این موضوع فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب نمی‌شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که دفاع مشروع حقی است استثنایی و تنها در صورتی اعمال می‌شود که ابزاری دیگر وجود نداشته باشد. بنابراین بر اساس معیار ضرورت و تناسب، از آنجا که حمله مسلحانه‌ای که قابلیت انتساب به دولت عراق داشته باشد صورت نگرفته، توسل به زور علیه نیروهای عراقی، بدون شک اقدامی خلاف حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور محسوب می‌شود.

دکترین جنگ علیه تروریسم: برخی مدعی هستند که چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه آوریل ۲۰۰۹ ایالات متحده، سازمانی تروریستی یاد شده بنابراین هر گونه اقدامی در هدف قرار دادن فرماندهان سپاه در هر نقطه‌ای از جهان مصداق دکترین مبارزه با تروریسم است. توضیح آنکه در سال ۲۰۰۱ و پس از حملات ۱۱ سپتامبر، کنگره آمریکا با تصویب قانونی، اجازه بی‌حد و حصری به رییس‌جمهور در راستای توسل به زور ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی که وی تشخیص می‌دهد در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به هر نحوی دست داشته‌اند، صادر کرد. در پاسخ به این معدود افراد باید خاطر نشان ساخت که اولاً دکترین جنگ با تروریسم (دکترین بوش) هیچ جایگاهی در حقوق بین‌الملل نداشته و صرفاً زائیده تفکر جنگ طلبانه بوش و در راستای بیشینه کردن منافع آمریکا در منطقه بوده است. ثانیاً برای آنکه به چنین توجیهی متوسل شد می‌بایست ارتباطی معنادار میان سردار سلیمانی و القاعده یا حملات ۱۱ سپتامبر پیدا کرد. نیک می‌دانیم که این امر به هیچ‌وجه در بررسی کمیسیون ۱۱ سپتامبر و گزارشش به سنای آمریکا (۲۰۱۸) دیده نشده است.

پاسخ قهرآمیز متقابل ایران از نگاه حقوق بین‌الملل: از جایی که ترور سردار شهید قاسم سلیمانی نمی‌تواند آستانه حمله مسلحانه موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد را برآورده کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تأکید داشته که گستردگی و آثار یک حمله مسلحانه باید به قدری وسعت داشته باشد که بتوان آن را حمله‌ای مسلحانه قلمداد کرد. به عنوان نمونه هیچ‌گاه درگیری‌های مختصر مرزی به عنوان حمله مسلحانه قابل شناسایی نیستند. از طرفی نمونه مشابهی در رویه بین‌المللی پیرامون ترور هدفمند فرماندهان نظامی کشوری دیگر و قبول صریح مسئولیت از سوی دولت هدف‌گیرنده (تروریسم دولتی) شاهد نیستیم. بدین منظور به دشواری بتوان توسل به زور و ترور فرماندهان سپاه ایران را حمله‌ای مسلحانه ذیل ماده ۵۱ منشور ملل متحد تفسیر کرد. بنابراین هرگونه واکنش نظامی از سوی ایران خود می‌تواند به عنوان توسل غیرقانونی به زور تلقی شود. آنچه بسیار دیده شده این است که: «هرگونه اقدام متقابلی را برای کشور قربانی مجاز تلقی می‌کنند»، در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده نیست و در واقع اقدامات متقابل تنها به اقداماتی غیر قهری (غیر نظامی) اطلاق می‌شوند که با رعایت اصول ضرورت و تناسب می‌توان بدان دست یازید. در همین چارچوب می‌بایست بیان کرد که اقدامات تلافی‌جویانه و مقابله به مثل (قهرآمیز) در حقوق بین‌الملل جایی نداشته و به رسمیت شناخته نمی‌شوند. این‌گونه اقدامات می‌تواند برای کشور مسئول تبعات حقوقی در پی داشته باشد. (با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی و نیز پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها) البته قواعد حقوقی هموار ظرفیت تفسیر داشته و می‌توان با توجه به ابعاد قضیه، محل وقوع و رویه عمومی دولت‌ها و نیز وجدان جامعه بین‌المللی و موضع‌گیری دیگر طرف‌ها نسبت به آنان اظهار نظر داشت.

اقدام محتمل دولت عراق: با توجه به موافقتانه ۲۰۰۹ میان دولت‌های عراق و آمریکا (بند ۵ ماده ۴) و نیز به موجب بند ۱ ماده ۲۷ که دولت ایالات متحده به صراحت از استفاده از قلمرو دولت عراق برای حمله به کشورهای ثالث منع شده است؛ دولت عراق می‌تواند با استناد به قطعنامه تعریف تجاوز مصوب ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد که تا حدود زیادی حالت عرفی پیدا کرده، اقدام اخیر آمریکا در هدف قرار دادن حشد شعبی و نیز فرماندهان ایرانی را مصداق روشن عملی تجاوزکارانه و خلاف قرارهای قبلی تفسیر کرده و در پی پاسخ برآید. این پاسخ می‌تواند مستند به دفاع مشروع شود و قهرآمیز و یا رویکردهای غیرقهرآمیزی چون اعلام خروج هر چه سریع‌تر نیروهای آمریکایی از خاک این کشور را دربرگیرد؛ که این اقدام هم محتمل‌تر است و هم هزینه کمتری برای طرفین خواهد داشت.

خلاصه پاسخ: با توجه به مطالبی که بیان شد:

۱. دخالت‌های نظامی نیروهای آمریکایی در مقابله با حشد شعبی و توسل به زور بدون مجوز شورای امنیت و رضایت صریح دولت عراق و با استناد به ماده ۵۱ منشور و بدون توجه به شرایط ایجاد حق دفاع مشروع، فاقد هرگونه وجهت حقوقی بوده و خلاف اصول اساسی حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد، موافقتنامه بین دو دولت عراق و آمریکا و نیز دیگر اسناد معتبر بین‌المللی است که امروز حالتی عرفی پیدا کرده‌اند.

۲. افزون بر آنکه نظریه رضایت ضمنی در حقوق بین‌الملل فعلی شناخته شده نیست، این رضایت در هیچ کدام از بیانیه‌ها، صحبت‌ها، توافقات و نیز رویه عمومی دولت عراق قابل شناسایی نیست.

۳. دولت آمریکا در هیچ بیانیه‌ای به ناتوانی دولت عراق اشاره‌ای نداشته بنابراین نمی‌تواند به دکترین ناتوانی و استنکاف دولت عراق در مواجهه با (فی‌المثل) نیروهای خودسر استناد نماید.

۴. اقدام اخیر دولت ایالات متحده آمریکا تنها منجر به فرسایش حاکمیت دولت‌ها و به محاق رفتن هر چه بیشتر نظم جهانی می‌شود.

۵. اقدام اخیر دولت آمریکا در هدف قرار دادن نیروهای حشد شعبی و سردار قاسم سلیمانی تجاوز به حاکمیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت عراق محسوب شده و دولت عراق می‌تواند با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد دست به اعمال حق دفاع مشروع بزند.

سوال دکتری سال ۹۹- در مقابل اقدام دولت آمریکا در به شهادت رساندن سردار قاسم سلیمانی در عراق، دولت جمهوری

اسلامی ایران طبق حقوق بین‌الملل از کدام یک از حق‌های زیر برخوردار است؟

(۱) اقدام متقابل (۲) مقابله به مثل

(۳) دفاع مشروع (۴) اقدام تلافی جویانه

گزینه ۱ صحیح است. اقدام متقابل به هر عمل یکجانبه دولت قربانی گفته می‌شود که در واکنش به نقض حقوقش در اثر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر با هدف وادار کردن دولت ناقض به توقف عمل خلاف صورت می‌گیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده گابچیکو-ناگیماروس (شکایت مجارستان علیه اسلواکی) به تفصیل به موضوع و شرایط اقدام متقابل می‌پردازد. دیوان آشکارا اشاره می‌کند برای این‌که اقدام متقابل قابل پذیرش باشد باید دارای شرایط زیر باشد:

عملی که به عنوان اقدام متقابل اتخاذ می‌شود باید در پاسخ به فعل متخلفانه قبلی دولت دیگر انجام شود و باید (صرفاً) علیه آن دولت به عمل آمده باشد.

۱. دولت زیان‌دیده در صورتی مجاز است به اقدام متقابل مبادرت ورزد که قبل آن دولت مسئول را به قطع فعل متخلفانه بین‌المللی و جبران خسارت فراخواند، هرچند تقاضایش مورد پذیرش قرار نگیرد.

۲. اقدام متقابل باید با زیان وارده متناسب باشد و با توجه به شدت فعل متخلفانه بین‌المللی و حقوق مورد بحث انجام شود.

۳. هدف از استناد به اقدام متقابل واداشتن دولت متخلف به رعایت تعهداتش به موجب حقوق بین‌الملل است، بنابراین این اقدام باید برگشت‌پذیر باشد.

بررسی ترور شهید فخری زاده از دیدگاه حقوق بین‌الملل

اخیراً یکی از دانشمندان کشور، به نام دکتر محسن فخری زاده در منطقه آبسرد دماوند توسط دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی ترور شده است. این اقدام تروریستی فخری زاده موجبات افزایش تنش در منطقه را فراهم کرده و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را به مخاطره انداخته است. عملیات تروریستی نقض حاکمیت سرزمینی و تجاوز به کشور محسوب می‌شود. اگنس کالامارد، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در واکنش به ترور فخری‌زاده اعلام کرد که این عمل، قتل هدفمند فرا مرزی خارج از منطقه درگیری مسلحانه و نقض قانون بین‌المللی حقوق بشر تلقی می‌شود که محرومیت خودسرانه از زندگی را منع و منشور سازمان ملل را نقض می‌کند. تروریسم توسط هر شخص یا دولتی که ارتکاب یابد، یک جرم بین‌المللی است و قابل پیگرد و تعقیب در مجامع بین‌المللی از جمله در شورای امنیت سازمان ملل متحد است. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز طرح دعوا کند و خواستار رسیدگی به این مساله شود.

بر این اساس کمیسیون امنیت ملی مجلس در بیانیه‌ای از دبیرکل سازمان ملل خواست تا به مسئولیت خود عمل کرده و با توجه به پیامدهای این ماجراجویی، این اقدام جنایتکارانه تروریستی را به صراحت محکوم کند.

از سوی دیگر با توجه به نقض آشکار حقوق بین‌الملل در حمله تروریستی اخیر، جمهوری اسلامی حق دارد از تمامی حقوق خود بر اساس اصول و موازین بین‌الملل به منظور اتخاذ اقدامات لازم و مقتضی در استیفای حق ذاتی دفاع مشروع خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد استفاده کرده و در این راستا اقدام تلافی جویانه خود را در هر زمان و در هر مکان و به هر نحوی که تشخیص می‌دهد اتخاذ کند.

ضمناً طرح شکایت از اسرائیل در دادگاه لاهه (آی سی سی یا دادگاه کیفری بین‌المللی) با چالش عظیمی روبه‌رو است؛ زیرا شرط شکایت در این دادگاه به رسمیت شناختن طرفین دعوا است و در صورتی که ایران در این دادگاه شکایتی علیه رژیم اسرائیل تنظیم کند، به دلیل اینکه موجودیت آن را به رسمیت نمی‌شناسد، پیگیری ممکن نخواهد بود. (ضمناً ایران عضو دیوان کیفری بین‌المللی هم نیست.)

و

و

و

صلاحیت معوق

یکی از جلوه‌های بارز حقوق بین‌الملل دولت محور، اصل رضائی بودن حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. این بدین معنی است که تنها رضایت دولتهاست که می‌تواند مبنای صلاحیت نهادهای قضائی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی قرار گیرد. شکل و نحوه ابراز رضایت چندان مهم نیست؛ بلکه نفس ابراز رضایت واجد اهمیت است. با توجه به این مساله و بر اساس رویه قضائی دیوان بین‌المللی دادگستری و سلف آن و خلاء موجود در اساسنامه آن دو، صلاحیتی برای دیوان فراتر از صلاحیتهای مصرح در اساسنامه، موسوم به صلاحیت معوق ایجاد شده است. براساس این قاعده، دولت خوانده می‌تواند رضایت خود را بعد از طرح دادخواست یکجانبه از سوی خواهان به شکل صریح یا ضمنی ابراز دارد. این اصل برای اولین بار در زمان دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه «ماوروماتیس» مطرح شد و به تدریج در رویه آن مورد توجه قرار گرفت. در زمان دیوان بین‌المللی دادگستری نیز صلاحیت معوق به شکل برجسته‌ای مطرح شد و نهایتاً بعد از مباحثات بسیار، اصل صلاحیت معوق همراه با تعدیلاتی در سال ۱۹۷۸ با اصلاح اساسنامه در ماده (۵) ۳۸ گنجانده شد. اما امروزه این اصل در رویه قضائی بین‌المللی تثبیت یافته و می‌تواند مبنای صلاحیت دیوان در رسیدگی‌های ترافیعی قرار گیرد. اجرای این اصل علیرغم تثبیت نسبی آن در رویه قضائی بین‌المللی، همچنان با یک سری چالشها و ابهاماتی مواجه است. با وجود این مسائل و ابهامات و تعارض ظاهری میان اعمال اصل صلاحیت معوق با اصل رضائی بودن حل و فصل اختلافات، در دهه اخیر دولت‌ها تمایل فزاینده‌ای در حل اختلافات خود بر مبنای صلاحیت معوق از خود نشان داده‌اند؛ امری که می‌تواند متضمن منافع ملی و بین‌المللی آن دولت‌ها در عرصه بین‌المللی شود. به رغم ممنوعیت تهدید در روابط بین‌المللی و لزوم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری به رضایت طرف‌های اختلاف مبتنی گشته است. در این خصوص نحوه ابراز رضایت طرف‌های اختلاف اهمیت چندانی ندارد. اساسنامه دیوان، صور مختلف اعلام رضایت به صلاحیت دیوان در قالب اعلامیه‌های یکجانبه، موافقت نامه مراجعه به دیوان و اندراج شرط مراجعه به دیوان در موافقتنامه‌های بین‌المللی را مورد تصریح قرار داده است. علاوه بر این در آیین دادرسی دیوان صلاحیتی فراتر از موارد مصرح در اساسنامه دیوان تحت عنوان صلاحیت معوق نیز پیش بینی شده است. دولت خوانده طبق این قاعده می‌تواند رضایتش را به طرح دادخواست یک جانبه خواهان به صورت ضمنی یا صریح پس از اقامه دعوی ابراز دارد. این صلاحیت برای اولین بار در زمان دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه «ماوروماتیس» مطرح گردید که به تدریج جای خود را در رویه قضایی بین‌المللی باز نمود. به گونه‌ای که امروزه این صلاحیت در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری تثبیت شده است و می‌تواند مبنای قابل اتکایی برای صلاحیت دیوان در رسیدگی‌های ترافیعی باشد.

برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: سیدقاسم زمانی و سهیلا کوشا، صلاحیت معوق دیوان بین‌المللی دادگستری، دوره ۱۴، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۱۶۳-۱۹۲

وضعیت کنونی عهدنامه مودت ایران و آمریکا

و

و

و

و

نرم‌های جهانی در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

تأثیر جنگ بر معاهدات بین‌المللی

و

و

و

و

نقش عرف در حقوق بین الملل بشر دوستانه

و
و
و
و

نقش دیوان بین المللی دادگستری در توسعه حقوق بین الملل

و
و
و
و

در چه سازمان‌هایی ایران به عنوان عضو ناظر حضور دارد؟

و
و
و
و

فرآیند الحاق به WTO

و
و
و
و

جدیدترین اصلاحاتی که در سازمان ملل متحد به عمل آمده است

و
و
و
و

جمهوری اسلامی ایران و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد

و
و
و
و

دادگاه اداری سازمان ملل متحد

و
و
و
و

جایگاه پیمانها در حقوق بین الملل

و
و

و

و

اقدام متقابل از دیدگاه حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

تغییر پایتخت رژیم صهیونیستی از تل‌آویو به بیت المقدس از دیدگاه حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

پیامدهای توافق صلح امارات و رژیم صهیونیستی

و

و

و

و

آیا قواعد حقوق بشری، قواعد آمره هستند یا خیر؟

و

و

و

و

دولت‌های ناتوان در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

شرایط مداخله بشر دوستانه در امور دیگر کشورها

و

و

و

و

دفاع مشروع و شرایط آن در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

مفهوم تدوین و توسعه‌ی حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

مفهوم نزاکت بین‌المللی

و

و

و

و

رژیم‌های خودبسندہ در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

مسئولیت جدائی طلبان (شورشی‌ها) در روابط میان دولت‌ها

و

و

و

و

دکترین مسئولیت حمایت

و

و

و

و

قاعده استاپل

و

و

و

و

روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در نظام حقوقی دریاها

و

و

و

و

تئوری جدایی چاره ساز از دیدگاه حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

امضای معوق، امضای مشروط و پاراف در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

تصویب بی قاعده معاهدات

و

و

و

و

رزرو یا حق شرط در معاهدات

و

و

و

و

معاهدات کامله الوداد

و

و

و

و

جانشینی کشورها در معاهدات

و

و

و

و

اثرات تقدم قاعده بر عمل حقوقی در حوزه معاهدات بین‌المللی

و

و

و

و

صلاحیت عام یا جهانی در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

وضعیت کیسه های سیاسی در حقوق دیپلماتیک

و

و

و

و

در مورد پرونده اکال

و

و

و

و

قواعد حاکم بر دریای سرزمینی

و

و

و

و

قواعد حاکم بر خلیج های داخلی و خلیج های تاریخی

و

و

و

و

قواعد حاکم بر منطقه مجاور یا نظارت

و

و

و

و

استثنائات صلاحیت دولت صاحب پرچم در دریای آزاد

و

و

و

و

رژیم حقوقی حاکم بر تنگه های بین المللی

و

و

و

و

نظام حقوقی حاکم بر آبهای مجمع‌الجزایری

و

و

و

و

مفهوم پروپاگاندا^۱ در حقوق بین‌الملل

و

و

و

و

مفهوم اقدامات قهری کمتر از جنگ

و

و

و

و

۱ - معنای دقیق لغت پروپاگاندا: منتشر ساختن و یا پرداختن است. معنای حقوقی این اصطلاح عبارت است از: انتشار هدفمند یک شایعه یا اطلاعات گزینش شده برای ارتقا یا رواج دکترینی خاص یا نظر یا موضوع یا ایده‌ها و اطلاعات منتشر شده - پروپاگاندا به طور دقیق در اسناد بین‌المللی تعریف نشده است.

بخش پنجم

تحلیل قضایای بین‌المللی

قضیه لوتوس

در این قضیه که در ماه اوت ۱۹۲۶ در دریای آزاد بین دو کشتی متعلق به دو کشور ترکیه و فرانسه تصادفی رخ داد و منجر به غرق شدن کشتی ترک گردید، مقامات ترکیه علیه فرمانده کشتی فرانسوی «لوتوس» اقامه‌ی دعوی کیفری نمودند. ولی دولت فرانسه به دلیل این که مقام ذیصلاح برای رسیدگی به جرایم روی عرشه کشتی مقامات قضایی دولت صاحب پرچم می‌باشد اعتراض کردند و این اقدام را مخالف حقوق بین‌الملل دانستند. استدلال دولت فرانسه این بود که اگر حقوق بین‌الملل، حق اعمال قضاوت را به ترکیه اعطا نکرده است بدین معناست که آن دولت از اجرای چنین عملی منع شده است. دولت ترکیه این طور جواب داد که محدودیتی برای اعمال دولت‌ها وجود ندارد، مگر اینکه حقوق موضوعه در حقوق بین‌الملل چنین محدودیتی را اعمال کرده باشد. در مقابل، فرانسه سعی داشت ثابت نماید که یک قانون عرفی بین‌المللی وجود دارد که در تمامی موارد قضاوت را به دولت صاحب پرچم می‌دهد و به عنوان ادله معاهداتی را که بین کشورهای مختلف جهت شناسایی صلاحیت قضایی مطلق دولت صاحب پرچم منعقد شده بود ارایه می‌کرد. این قضیه در سال ۱۹۲۷ به دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شد. دیوان در مقابل ادعای فرانسه اظهار داشت که وجود چنین معاهداتی ثابت نمی‌کند که اعضای آن معاهدات بر این باور بوده‌اند که صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم در تمامی موارد به صورت یک قانون عرفی بین‌المللی وجود داشته باشد. دولت فرانسه اظهار داشت که در رویه‌های قضایی بین‌المللی فقط موارد بسیار نادری وجود دارد که یک دولت غیر صاحب پرچم، فرمانده کشتی یک دولت دیگر را محاکمه نماید و این نشانگر رضایت سایر دولت‌ها بر وجود صلاحیت انحصاری قضایی دولت صاحب پرچم در تمامی موارد می‌باشد. اما دیوان این طور نظر داد که خودداری از تعقیب قضایی در حالتی نشانه‌ی وجود یک عرف بین‌المللی محسوب می‌شود که دولت‌ها اعتقاد بر این داشته باشند که وظیفه دارند از تعقیب قضایی فرمانده کشتی خودداری نمایند و چون چنین نبوده، در عدم وجود *opinio juris* قانون عرفی ایجاد نمی‌شود. در ادامه، دیوان با **نایید نظر ترکیه** و رد ادعای فرانسه اظهار داشت اولاً گرچه موارد کمی وجود دارد که در آن دولت‌هایی که در وضعیت فعلی ترکیه هستند، علیه فرمانده کشتی اقدامات قضایی کرده باشند و سایر دولت‌های ذی‌نفع هم به این امر اعتراض نکرده‌اند، و ثانياً گرچه اکثر دولت‌هایی که در وضعیت ترکیه بوده‌اند از تعقیب قضایی برخوردار نبوده‌اند، اما شواهد و قرائنی وجود ندارد که آنها آن را به عنوان یک الزام قانونی انجام داده باشند.

سوال دکتری سال ۹۹- در خرداد ماه ۱۳۹۸ یک کشتی با پرچم دولت پاناما و حامل نفت ایران به نام گریسی ۱ در آب‌های سرزمینی جبل -

الطارق (تحت سلطه بریتانیا و مورد ادعای اسپانیا) از سوی پادشاهی بریتانیا توقیف شد. اعمال صلاحیت قضایی برای این کشتی از منظر

کنوانسیون حقوق دریاهای مورخ ۱۹۸۲ اصولاً با کدام دولت است؟

(۱) دولت ایران صلاحیت انحصاری دارد.

(۲) دولت پاناما صلاحیت انحصاری دارد.

(۳) دولت پاناما و دولت بریتانیا صلاحیت موازی دارند.

(۴) دولت بریتانیا و یا دولت اسپانیا صلاحیت انحصاری دارند.

گزینه ۲ صحیح است. اعمال صلاحیت قضایی برای این کشتی از منظر کنوانسیون حقوق دریاهای مورخ ۱۹۸۲ اصولاً با دولت پاناما است که صلاحیت انحصاری دارد.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶- سمبلیک بودن پرچم سازمان‌های بین‌المللی در مورد کشتی‌های حامل پرچم سازمانها، بیشتر ناشی از

کدام واقعیت است؟

(۱) فقدان نظام حقوقی کامل

(۲) تعارض صلاحیت‌های ملی و بین‌المللی

(۳) عدم بازگشت به عصر پرچم‌های مصلحتی (۴) تکمیلی بودن صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی

گزینه ۱ صحیح است. سمبلیک بودن پرچم سازمان‌های بین‌المللی در مورد کشتی‌های حامل پرچم سازمان‌ها نشان دهنده این است که نظام حقوقی سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص ناقص بوده و تدوین نشده است؛ بنابراین با فقدان این موضوع حرکت کشتی‌های سازمان‌های بین‌المللی در دریاهای رودخانه‌ها و کانال‌های بین‌المللی بایستی با پرچم‌های سمبلیک باشد.

قضیه البرکات

و

و

و

و

قضیه اختلاف مرزی نیجر و بوركینافاسو

و

و

و

و

قضیه پرونده‌های اتمی

و

و

و

و

قضیه شکایت کرواسی علیه صربستانو
و
و
و**قضیه دعوای آرژانتین علیه اروگوئه**و
و
و
و**قضیه معبد پره آویهار (کامبوج علیه تایلند)**و
و
و
و**قضیه سکوه‌های نفتی ایران**و
و
و
و**قضیه لاکربی**و
و
و
و**قضیه دولت کنگو**و
و
و
و**قضیه دعوای کنگو علیه اوگاندا**و
و
و
و**قضیه دیوار حائل (در سرزمین اشغالی فلسطین)**و
و
و
و**قضیه کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران**و
و
و
و**قضیه دعوای مطروحه علیه لیبی**و
و
و
و

قضیه امین اوپل و کویتو
و
و
و**قضیه فرینی (رای دیوان در مورد طرح دعوای آلمان علیه ایتالیا)**و
و
و
و**قضی دیالو**و
و
و
و**قضیه بارسلونا تراکشن**و
و
و
و**قضیه "امتیازات ماوروماتیسی" درباره دعوی یونان علیه انگلستان (اولین پرونده مطروحه در دیوان دایمی)**و
و
و
و**قضیه Effect of Awards**و
و
و
و
و**قضیه رسیدگی‌های کیفری خاص در فرانسه**و
و
و
و**قضیه برخی مسائل خاص همکاری دوجانبه در امور کیفری**و
و
و
و**قضیه "سالیزیای علیا" (مدارس اقلیت / در مورد صلاحیت معوق)**و
و
و
و**قضیه کورزوف (آلمان علیه لهستان: درباره سلب مالکیت)**و
و
و
و

قضیہ گابچیکوو – ناگیماروسو
و
و
و

مدلیہ - 66921002

بخش نهم

سوالات شبیه سازی شده

۱. افاق تجارت بین الملل...

- الف- مرجع ملی و نماینده بخش دولتی است.
- ب- مرجع فراملی و نماینده بخش خصوصی است.
- ج- مرجع حاکمیتی و نماینده کشورها در سازمان ملل است.
- د- مرجع بین المللی دولتی است.

پاسخ تشریحی: افاق بازرگانی بین المللی (ICC) از بدو تأسیس خود در سال ۱۹۱۹ تاکنون به عنوان تنها نماینده بخش خصوصی در جهان، به عنوان یک سازمان غیردولتی است. نقش منحصر بفردی در زمینه تسریع و تسهیل مراودات تجاری در سطح بین المللی، از طریق تلاش در استانداردسازی سیاستها و مقررات - از جمله اینکوترمز و مقررات بانکداری بین المللی مانند اعتبارات اسنادی، ضمانت نامه ها و ... ، همچنین اداره بزرگترین مرکز داوری تجاری بین المللی ایفا نموده است.

گزینه ب صحیح است.

۲. دیوان دادگستری لاهه در قضیه لوتوس به کدام موضوع تاکید داشته است؟

- الف- هدف حقوق به منزله حقوق جامعه بین المللی تنها ناظر به تابعان فعال است.
- ب- هدف حقوق به منزله حقوق جامعه بین المللی تنها شامل تابعان منفعل است.
- ج- سایر گروه ها به غیر از کشورها شایستگی تابع حقوق بین الملل را ندارند.
- د- سایر گروه ها به غیر از کشورها شایستگی تابع حقوق بین الملل را دارند.

پاسخ تشریحی: دیوان دایمی دادگستری لاهه در قضیه لوتوس در ۱۹۲۷ بیان کرده که هدف حقوق به منزله حقوق جامعه بین المللی، کشورها و دیگر گروه های بین المللی است و سایر گروه های مذکور شایستگی آن را دارند که تابع حقوق ملل نامیده شوند.

گزینه د صحیح است.

و
و
و
و

آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی سال ۱۳۹۸

۱. در خصوص استناد به اصل حاکمیت دولت‌ها برای مشروعیت تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) در روابط بین‌المللی دولت‌ها، اصل بر جواز اقدامات آنهاست نه ممنوعیت. بنابراین، ممنوعیت تحریم اقتصادی از سوی دولت‌ها، نیاز به اثبات دارد.
- (۲) اصل حاکمیت، اصولاً آزادی و حق تصمیم‌گیری درباره تنظیم سیاست‌های داخلی و بین‌المللی، از جمله سیاست‌های اقتصادی و وضع تحریم‌ها را به دولت‌ها اعطا می‌کند.
- (۳) در تعارض بین حاکمیت کشور تحریم‌کننده و کشور هدف تحریم، سایر اصول حقوق بین‌الملل حاکم است و این اصل، صرفاً مبنایی برای مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه نیست.
- (۴) وضع تحریم‌ها، از مصادیق صلاحیت انحصاری دولت‌ها در تصمیم‌گیری برای امور اقتصادی است و این امر تابع نظارت کشورهای دیگر نیست، اگرچه این تحریم‌ها ممکن است ظالمانه باشد.
- گزینه ۳ صحیح است. تحریم اقتصادی ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی بوده و تفاوتش با تحریم‌های تجاری این است که وجود منافع سیاسی برای کشور تحریم‌کننده اقتصادی از دلایل اصلی اعمال آن است. استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند. هر چند به نظر عده‌ای از حقوقدانان تحریم‌های اقتصادی مخالف اصل حاکمیت کشورها است؛ اما در تعارض بین حاکمیت کشور تحریم‌کننده و کشور هدف تحریم، سایر اصول حقوق بین‌الملل حاکم است.

۲. تصمیم‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، چگونه اتخاذ می‌شوند؟

- (۱) اکثریت آرای کلیه قضات
(۲) اکثریت آرای قضات حاضر
(۳) اکثریت آرای قضات حاضر همراه با رأی رئیس دیوان (۴) اتفاق آرای قضات، بدون لحاظ نمودن رأی قضات اختصاصی (ad hoc)
- گزینه ۲ صحیح است. مطابق بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان، تصمیم قضات دیوان با اکثریت آرای قضات اتخاذ می‌شود: «ماده ۵۵ / ۱ - احکام داوران با اکثریت قضات حاضر صادر می‌شود. ۲- در صورت تساوی آراء، رأی رئیس یا کسی که جانشین او است قاطع خواهد بود.»

۳. عهدنامه وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، در مورد کدام یک از موضوعات زیر، سکوت کرده است؟

- (۱) جانشینی کشورها
(۲) عهدنامه‌های شفاهی
(۳) وضعیت کشور متجاوز
(۴) طبقه‌بندی معاهدات
- گزینه ۴ صحیح است. عهدنامه وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات هم در مورد جانشینی کشورها و هم عهدنامه شفاهی و وضعیت کشور متجاوز در متن خود اشاراتی داشته است اما در طبقه بندی معاهدات هیچ اشاره‌ای نداشته است.

نکته: طبقه بندی معاهدات: رایج ترین نوع طبقه بندی معاهدات، براساس شکل و محتوای معاهدات انجام می‌گیرد.

الف: طبقه بندی از نظر تشریفات (شکلی): از این نظر از دودسته معاهدات ساده (اجرایی) و معاهدات رسمی را می‌توان یادکرد. معاهدات اجرایی به آن دسته معاهداتی گفته می‌شود که صرفاً با امضای مقامات ذی صلاح قوه مجریه نافذ می‌گردد. معاهدات رسمی به آن دسته اطلاق می‌گردد که انفاذ آن پس طی مراحل و تشریفات خاص محقق می‌گردد. این دسته از معاهدات از معاهدات نیازمند تصویب مراجع رسمی قانونی و در اکثر کشورها قوه مقننه است.

ب: از نظر محتوا (ماهوی): از نظر محتوا و ماهیت باز هم معاهدات به دو دسته تقسیم می‌گردد:

۱- معاهدات عام یا قانون ساز: طبقه بندی اول بیان گر معاهداتی است که اراده مشترک طرفین یا اطراف را همساز نموده و وحدت می‌بخشد و در نتیجه موجد قواعد حقوقی عام می‌گردد، که خود از منابع حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شود. این دسته از معاهدات معمولاً چندجانبه است و گاه ممکن است دوجانبه باشد. معاهدات قانون ساز یا عام متضمن قواعد اساسی بوده و در حکم قوانین بین‌المللی به شمار می‌آید و رعایت آنها برای کلیه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی لازم الاجرا است. منشور سازمان ملل، عهدنامه‌های وین (۱۹۶۱) و (۱۹۶۳) در زمینه روابط دیپلماتیک و کنسولی و عهدنامه (۱۹۸۲) در زمینه حقوق دریاهای از مهم ترین معاهدات قانون ساز محسوب می‌شوند.

۲ - معاهدات قراردادی یا خاص: این نوع معاهدات در واقع به اعمال حقوقی مشخص و محدود عینیت می‌بخشد. هدف از انعقاد آن

نیل به منافع ملی خاص کشورهای متعاقد می باشد. این معاهدات هرچند منبع اصلی و مستقیم حقوق بین الدول نمی باشد اما از طریق ایجاد رویه های حقوقی می تواند در تنظیم حقوق بین الدول تاثیر گذار باشد. از جمله این گونه معاهدات می توان به موافقت نامه های تجاری و فرهنگی میان کشورها اشاره کرد.

و
و
و
و

**آزمون کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۷**

و
و
و
و

**آزمون کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۶**

**آزمون کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۵**

**آزمون کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۴**

**آزمون کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل عمومی سال ۱۳۹۳**

خودسنجی با سوالات دکتری

۱. سؤال دکتری ۱۳۹۱: کدام مورد تشبیه دیوان بین‌المللی دادگستری به نهادهای داوری را موجه می‌نماید؟

(۱) صلاحیت مشورتی

(۲) تشکیل شعب ویژه

(۳) یک مرحله‌ای بودن رسیدگی

(۴) تضمین اجرای احکام دیوان توسط نهادهای سیاسی

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

و

و

و

و

ضمائم

بررسی مصوبه اقدام راهبری برای لغو تحریم‌ها از دیدگاه حقوق بین‌الملل

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی ۹ آذرماه ۱۳۹۹ با بررسی دوفوریت طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها با ۲۳۲ رأی موافق از مجموع ۲۴۶ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند. این مصوبه که به صورت طرح نمایندگان به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود با توجه به اصلاحات انجام شده توسط مجلس، از نظر شورای نگهبان تایید نهایی شد و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

مطابق این مصوبه در صورت **عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای متعهد طرف از جمله کشورهای ۱+۴ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه)** توافق هسته‌ای در قبال ایران و عادی نشدن روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش کامل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش، یک ماه پس از تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی، **نظارت‌های فراتر از پادمان از جمله اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی** را متوقف کند. متن این مصوبه به شرح ذیل است:

ماده ۱: سازمان انرژی اتمی ایران موظف است بلافاصله پس از تصویب این قانون جهت مصارف صلح آمیز، نسبت به تولید اورانیوم با غنای ۲۰٪ اقدام و سالانه به میزان حداقل ۱۲۰ کیلوگرم آن را در داخل کشور ذخیره کند و همچنین سازمان مذکور موظف است نیاز کشور برای مصارف صلح آمیز به اورانیوم با غنای بالای ۲۰ درصد را به طور کامل و بدون تأخیر تأمین کند.

ماده ۲: این مصوبه نیز مقرر کرده است. در اجرای بند ۳ قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴ و در جهت تحقق ظرفیت یکصد و نود هزار سو غنی سازی، سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون، ظرفیت غنی سازی و تولید اورانیوم غنی سازی شده با سطح غنای متناسب هر یک از مصارف صلح آمیز کشور را به میزان ماهانه حداقل ۵۰۰ کیلوگرم افزایش دهد و نسبت به نگهداری و انباشت مواد غنی شده در کشور اقدام نماید.

ماده ۳: برای تحقق هدف مندرج در ماده ۲، سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه پس از تصویب این قانون عملیات نصب، تزریق گاز، غنی سازی و ذخیره سازی مواد را تا درجه غنای موردنیاز، با حداقل ۱۰۰۰ دستگاه ماشین‌های نسل دوم پیشرفته (IR-M2) آغاز کند و همچنین در همین بازه زمانی، عملیات غنی سازی و تحقیق و توسعه با ماشین‌های نسل ششم (IR-6) را با حداقل ۱۶۴ ماشین از این نوع آغاز نموده و آن را ظرف مدت یک سال پس از تصویب این قانون به ۱۰۰۰ دستگاه ماشین توسعه بدهد. تبصره: سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است برای انتخاب و تعیین مکان نصب و استقرار ماشین‌های ذکر شده، استانداردهای سازمان پدافند غیرعامل را اخذ و اجراء نماید.

ماده ۴: سازمان انرژی اتمی مکلف است نسبت به بهره برداری از کارخانه تولید اورانیوم فلزی در اصفهان ظرف ۵ ماه از تصویب این قانون اقدام کند.

ماده ۵: سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است، در راستای بند ۴ قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران، همزمان با عملیات بهینه سازی و راه اندازی عامل واکنش (راکتور) ۴۰ مگاواتی آب سنگین اراک، نسبت به طراحی یک عامل واکنش (راکتور) آب سنگین ۴۰ مگاواتی جدید با هدف تولید همسانهای پایدار (رادیو ایزوتوپ) بیمارستانی با جدول زمانبندی اقدام کند و جدول زمان بندی این موضوع را ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.

ماده ۶: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای متعهد طرف از جمله کشورهای ۱+۴ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) توافق هسته‌ای در قبال ایران و عادی نشدن روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش کامل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش، یک ماه پس از تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی، نظارت‌های فراتر از پادمان از جمله اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف کند.

بر اساس تبصره این ماده منظور از دولت در این قانون حسب مورد **قوه مجریه، هیأت وزیران و کلیه دستگاههای اجرایی ذی ربط** است.

ماده ۷: چنانچه کشورهای متعهد ۱+۴ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه)، نسبت به اجرای تعهدات خود و **رفع کامل تحریم‌ها از جمله هسته‌ای، نظامی، حقوق بشری و امثال آن** علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند، دولت موظف است گزارش دقیق اقدامات انجام شده را به مجلس ارائه دهد. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و نیز کمیسیون انرژی ارزیابی خود را، به استناد ماده ۴۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به مجلس ارائه می‌کنند.

ماده ۸: مسئول اجرای صحیح و کامل این قانون رئیس جمهور و مقامات و مدیران مربوط و دستگاههای اجرایی ذی ربط می‌باشند.

ماده ۹: مستنکفین از اجرای این قانون به تناسب امتناع یا ممانعت از اجراء به مجازات تعزیری درجات ۲ یا ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شوند.

و
و
و

اشتراکات یا تمایزات حقوق بین الملل عمومی با حقوق بین الملل خصوصی
دکتر سید باقر میرعباسی / دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی

و
و
و
و

تاریخچه حقوق بین الملل
برگرفته از کتاب حقوق بین الملل عمومی کک دین و آلن پله

و
و
و
و

مفهوم سرمایه گذاری در رویه داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری خارجی
(ایکسید)
دکتر سید نصرالله ابراهیمی ، سجاد سلطان زاد

و
و
و
و

طرق حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین المللی
این نوشته عموماً از کتاب حقوق نفت و گاز دکتری عبدالحسین شیروی گرفته شده است. ابتدا توضیحاتی
درباره معاهده انرژی داده می شود و سپس به مکانیسم های حل اختلاف در سرمایه گذاری می پردازیم.

و
و

و

و

پروژه های ساخت، بهره برداری و انتقال (بی - او - تی)
دکتر عبدالحسین شیروی

و

و

و

و

درباره پیمان منشور انرژی

(برگرفته از مقاله دکتر بهروز اخلاقی و دکتر اسدالله صحرانورد در این موضوع)

و

و

و

و

قرارداد B.O.T ساخت بهره برداری انتقال

و

و

و

و

گوشزد: چنانچه فهرست مطالب کتاب را مشاهده نمایید در متن کتاب مهمترین اسناد مرتبط با آزمون دکتری آورده شده است که از باب نمونه فقط به دو سند ذیل اشاره می گردد:

* کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ *

ماده اول :

در این قرار داد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پایین تصریح شده است :

الف : اصطلاح (رییس ماموریت) یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مامور انجام وظیفه در این سمت میشود.

ب : اصطلاح (اعضای ماموریت) یعنی رییس ماموریت و کارمندان ماموریت .

ج: اصطلاح (کارمندان ماموریت) یعنی (کارمندان سیاسی) ، (کارمندان اداری و فنی) و (خدمه ماموریت) { مهم } .

د: اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) می باشند.

ه: اصطلاح (ماموریت سیاسی) یعنی رییس ماموریت یا یکی از کارمندان سیاسی ماموریت.

و: اصطلاح (کارمندان اداری و فنی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که به امور اداری و فنی ماموریت اشتغال دارند.

ز: اصطلاح (خدمه) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که به امور خانگی اشتغال دارند.

ح: اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای ماموریت بوده و مستخدم کشور فرستنده نمی باشد.

ط: اصطلاح (اماکن ماموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد برای انجام مقاصد ماموریت، از جمله برای محل اقامت رییس ماموریت مورد استفاده قرار میگیرد.

ماده دوم :

استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیئتهای سیاسی دایم با رضایت متقابل انجام میگیرد.

ماده سوم :

۱- وظایف ماموریت سیاسی بالاخص عبارت است از :

الف : نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده

ب: حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است

ج: مذاکره با حکومت کشور پذیرنده

د: استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسایل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده

ه: بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشور فرستنده و پذیرنده

۲- هیچ یک از مقررات این قرار داد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنسولی بوسیله یک ماموریت سیاسی گردد.

سوال تالیفی: مطابق کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک یکی از وظایف ماموریت سیاسی، حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده می باشد؛ حدود این روابط تا کجا است؟

الف- تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است ب- تا اندازه ای است که حقوق کشور فرستنده مشخص می کند.

ج- تا اندازه ای است که حقوق کشور فرستنده مشخص می کند. د- مطلقا محدودیتی وجود ندارد.

گزینه الف صحیح است.

ماده چهارم :

۱- کشور فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده به عنوان رییس ماموریت از طرف کشور پذیرنده پذیرش داده شده است.

۲- کشور پذیرنده ملزم نیست دلایل امتناع خود را از صدور پذیرش به اطلاع کشور فرستنده برساند.

ماده پنجم:

و

و

و

و

* نکات متن منشور سازمان ملل *

فصل اول - مقاصد و اصول

ماده ۱:

مقاصد ملل متحد به قرار زیر است:

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل؛

توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛

حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب؛
بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدف‌های مشترک معمول می‌دارند.

***نکته: مقاصد ملل متحد:** حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی - بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات در جهت اهداف مشترک

سوال: کدام یکی از موارد زیر از اصول منشور ملل متحد محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اجتناب از توسل به زور
(۲) حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
(۳) تحقق همکاری بین‌المللی
(۴) تشویق به احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین
گزینه (۴) صحیح است.

ماده ۲:

سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده اول بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

سازمان بر مبنای **اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء** آن قرار دارد.

کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد.

کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد.

کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری خواهند نمود.

کلیه اعضاء در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه‌گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد خودداری خواهند نمود.

سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل نمایند.

هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم - عضویت

ماده ۳:

اعضای اصلی ملل متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس ملل متحد راجع به سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو شرکت نموده یا قبلاً اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضاء کرده و این منشور را امضاء و بر طبق ماده ۱۱۰ تصویب نمایند.

ماده ۴

۱- سایر کشورهای شیفته صلح که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند.

۲- قبول هر کشوری که واجد شرایط مذکور باشد به عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که **مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌نماید.**

سوال تالیفی: در کدام یک از زمینه‌های زیر مجمع عمومی جامعه ملل دارای صلاحیت انحصاری بود؟

- (۱) پذیرش اعضای جدید، تعیین بودجه، تجدید نظر در معاهدات و انتخاب اعضای غیر دائمی شورا.

- (۲) پذیرش اعضای جدید، تعیین بودجه، تجدید نظر در معاهدات و توسعه شورا.
 (۳) پذیرش اعضای جدید، تعیین بودجه، تجدید نظر در معاهدات و درخواست نظر مشورتی از دیوان
 (۴) پذیرش اعضای جدید، تعیین بودجه، تجدید نظر در معاهدات و اصلاح میثاق.
 گزینه (۱) صحیح است.

سوال تالیفی: شرایط عضویت اعضای جدید در سازمان ملل متحد عبارتند از:

- (۱) دولت بودن، صلح جو بودن و قبول تعهدات منشور.
 (۲) دولت بودن، قبول تعهدات منشور و داشتن تمایل و توانایی اجرای مقررات منشور.
 (۳) دولت بودن، صلح جو بودن و داشتن تمایل و توانایی اجرای مقررات منشور.
 (۴) دولت بودن، صلح جو بودن، قبول تعهدات منشور و داشتن تمایل اجرای مقررات منشور.
 گزینه (۴) صحیح است.

سوال کارشناسی ارشد حقوق سال ۹۲ - کدام عبارت، در خصوص کشورهای ذره‌ای صحیح است؟

- (۱) داشتن حداقل یک میلیون نفر جمعیت
 (۲) داشتن حداقل یک میلیون نفر جمعیت و ده هزار کیلومتر مربع وسعت
 (۳) تابع شرایط کلی پذیرش اعضا مقرر در منشور
 (۴) پذیرش بدون حق رأی
 گزینه ۳ صحیح است. مطابق ماده ۴ منشور سازمان ملل پیشنهاد عضویت به توصیه شورای امنیت بوده و تصویب با مجمع عمومی می باشد. در مورد پذیرش ماده ۴ یک قاعده کلی بوده و فرقی میان کشورهای کوچک و بزرگ نیست. بلکه کشوری که شرایط دولت بودن، صلح جو بودن، قبول تعهدات منشور و داشتن تمایل اجرای مقررات منشور را داشته باشد می‌تواند با رعایت ماده ۴ به عضویت سازمان ملل در آید.

و
و
و
و
و
و
و
و
و

**خدایا چنان کن سرانجام کار
 که تو خشنود باشی و ما رستگار
 پایان**